

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۷۰۶

جمعه ۱۸ فروردین ۱۳۹۶، ۷ آپریل ۲۰۱۷

انتخاب مردم سرنگونی جمهوری اسلامی است!

اطلاعیه حزب کمونیست کارگری در باره "انتخابات" ریاست جمهوری

صفحه ۳



به مناسبت اول مه

نامه ای به اتحادیه های کارگری

باقی است و علاوه بر دستگیری های دائمی فعالین کارگری، شلاق زدن به کارگران معترض هم به سرکوب های قبلی اضافه شده است. اما در آستانه اول مه حتماً برایتان جالب است بدانید که علیرغم همه سرکوبها، در

صفحه ۲

ایران بوده و تاثیر مستقیمی در آزادی بسیاری از آنان داشته است. اینبار اما اجازه بدهید از پیشروی جنبش کارگری در ایران صحبت کنیم. نه اینکه فشار به فعالین کارگری کاهش یافته و یا جمهوری اسلامی کوچکترین حقوقی برای آنان قائل شده است. اینها همه به قوت خود

اصغر کریمی

در دو سه دهه گذشته بارها و بارها به شما مراجعه کرده ایم تا در دفاع از کارگران زندانی و بیحقوقی کارگران در ایران از آنها حمایت کنید و حمایت و همبستگی گرم شما قوت قلبی برای فعالین کارگری در

کارگران در هفته ای که گذشت

اول مه خانه کارگر جمهوری اسلامی و اول مه کارگران

صفحه ۶

انتخابات: جدال جناح ها

و تکرار سناریوی "بد و بدتر"

شهر و روستا نیز در همین روز برگزار میگردد. علیرغم این زمانبندی ها، رقابت و کشمکش جناحی عملاً، کلید خورده است. دستگیری تعدادی روزنامه

صفحه ۷

ولایت فقیه تشخیص دهد، از صافی عبور میدهد و تایید صلاحیت میکند. نامزدها بعد از عبور از قیف نظام، قرار است از ۸ تا ۲۷ اردیبهشت وارد کارزار تبلیغاتی شوند. اخذ رای در ۲۹ اردیبهشت صورت میگیرد. انتخابات شوراهای

خلیل کیوان

ثبت نام کاندیداها برای مضحکه ای که آنرا انتخابات ریاست جمهوری می نامند از ۲۲ تا ۲۷ فروردین انجام می گیرد. پس از آن و به روال معمول، شورای نگهبان تعدادی را که بحد کافی ملتزم به اسلام، نظام و

زنان سرکش در کشورهای اسلامزده

مصاحبه با مینا احدی

صفحه ۸

درباره رفراندوم و جدائی کردستان عراق

اطلاعیه حزب کمونیست کارگری

صفحه ۵

حمله تروریستی در استکلهم محکوم است!

اطلاعیه حزب کمونیست کارگری

صفحه ۷

قرار "در مورد جنبش تشکیلیاتی کارگری"

مصوب کنگره ۱۰ حزب چه میگوید؟

سوال از حمید تقوائی

صفحه ۴

فدرالیسم راه حل هیچ معضل و مشکلی نیست

سوال از محمد آسنگران درباره قطعنامه "تجربه کردستان عراق و راه حل مسئله ملی کرد"، مصوب کنگره دهم حزب

صفحه ۹

نقش مخرب ناسیونالیسم ترک

و ضرورت مقابله با آن

گفتگو با محسن ابراهیمی دبیر کمیته آذربایجان حزب کمونیست کارگری درباره قرار مصوب کنگره ۱۰ حزب

صفحه ۱۰

حمله شیمیایی به مردم بیدفاع سوریه

شدیدا محکوم است!

اطلاعیه حزب کمونیست کارگری

صفحه ۸

حمایت سازمان "فریدوم ناو" از

بهنام ابراهیم زاده در نشست شورای حقوق بشر سازمان ملل

صفحه ۸

نامه ای به اتحادیه های کارگری

از صفحه ۱

سالهای اخیر جنبش کارگری در ایران پیشروی قابل توجهی داشته است.

- سالها قبل یکی از مقامات حکومت به ۲۰۰۰ اعتصاب کارگری در عرض یکسال اعتراف کرد، اما تعداد اعتصابات و تجمعات کارگری اکنون بسیار بیش از این است. روزی نیست که خبر چندین اعتصاب و تجمع کارگری در نقاط مختلف کشور منتشر نشود. بعلاوه اعتصابات به مراکز بزرگ کشیده شده و طول زمان برخی اعتصابات به ده روز و پانزده روز و گاه به دو ماه میرسد.

- مقابل مجلس اسلامی در تهران و مقابل ارگانهای حکومت در شهرستانها مدام شاهد تجمعات کارگران هستیم. بعنوان مثال روز ۱۲ مارس امسال حدود ۱۰ هزار کارگر و معلم بازنشسته در مقابل مجلس دست به تجمع اعتراضی زدند.

- یک پیشروی مهم کارگران تجمعات سراسری است. معلمان در دو سال گذشته بارها دست به اعتصابات و تجمعات سراسری زده اند و بعضا همزمان در پنجاه شهر تجمع کرده اند. معلمان بازنشسته نیز تجمعات سراسری را شروع کرده اند و همزمان بعضا در بیست شهر دست به تجمعات بزرگ میزنند.

کارگران همزمان با اعتصاب در مراکز شهرها راهپیمایی میکنند، شعار میدهند و خواست های خود را مطالبه میکنند. علیرغم اینکه حق اعتصاب و تجمع وجود ندارد اما بدلیل حجم اعتراضات عملا جمهوری اسلامی نمیتواند مانع اعتصاب و تجمع کارگران بشود. طومارهای اعتراضی برای افزایش دستمزد از جمله طومار ۱۲۰ هزاری کارگران نفت و طومار ۱۴۰ هزاری معلمان و یا طومار ۴۰ هزار کارگر برای افزایش دستمزد نیز شکل دیگری از مبارزات توده ای کارگران است.

- یک پدیده جالب این است که کارگران وسیعا از مدیای اجتماعی برای سازماندهی مبارزات خود

استفاده میکنند. بعنوان مثال و علیرغم فیلترینگ و محدودیت هایی که حکومت ایجاد کرده است حدود ۵۰ هزار معلم در ده گروه تلگرام عضو هستند و بحث های داغی در آنجا جریان دارد.

- پدیده بسیار جالب دیگر به میدان آمدن خانواده های کارگری و شرکت در تجمعات و راهپیمایی های کارگران اعتصابی است. در دو سال گذشته این پدیده بطور تصاعدی رشد کرده و به یک سنت جا افتاده و تثبیت شده تبدیل شده و روحیه دیگری به جنبش کارگری داده است.

همسران ۹ کارگر زندانی در معدن سنگ آهن شهر بافق چندین روز با نصب چادر در مقابل فرمانداری و همزمان با اعتصاب چند هفته ای ۵۰۰۰ کارگر این معدن بازتابی

بیسابقه یافت و در هفته های اخیر کارگران فولاد اهواز، ماشین سازی هپکو، روغن نباتی زنجان و پارسیلون در خرم آباد و دهها مورد دیگر خانواده ها فعالانه همراه با کارگران اعتصابی در مرکز شهر

دست به راهپیمایی زدند، شعار دادند و موفق شدند گوشه ای از خواست خود را به کرسی بنشانند. حضور خانواده ها توجه مردم شهر و همبستگی آنها را جلب میکند و کار سربوب و مانع تراشی توسط ارگانهای حکومت را بشدت دشوار کرده است.

- همبستگی میان بخش های مختلف کارگران و احساس همبستگی و هم سرنوشتی بقیه اقشار جامعه با کارگران پدیده قابل توجهی دیگری است. بعنوان مثال زمانی که در ژانویه امسال حداقل ۱۵ کارگر آتش نشانی بدلیل عدم تجهیزات کافی در جریان آتش سوزی ساختمان پلاسکو در تهران جان خود را از دست دادند در سراسر کشور، هزاران نفر از مردم با حضور در ایستگاه های آتش نشانی همبستگی خود را با آنها نشان دادند. این در واقع یک حرکت سیاسی علیه حکومت هم بود.

- اتفاق مهم دیگر تحکیم اتحاد میان کارگران و معلمان است که بویژه بدنبال بیانیه مشترک اسماعیل عبیدی سخنگوی کانون صنفی

معلمان و جعفر عظیم زاده دبیر اتحادیه آزاد کارگران ایران شکل گرفته است. این دو نفر در سال گذشته از زندان بیانیه مشترکی منتشر کردند و به امنیتی کردن مبارزات کارگران اعتراض کردند، خواستی که امروز در جنبش کارگری به خواستی وسیع تبدیل شده است. همینجا خوب است این نکته مهم نیز اشاره شود که فعالین کارگری و معلمانی که به زندان می افتند بیانیه میدهند و علاوه بر اعتراض به محکومیت خود، از مبارزات مردم حمایت و علیه سربوب ها و بیحقوقی ها اعتراض میکنند. این روحیه حاکم بر جنبش کارگری در ایران را بخوبی نشان میدهد.

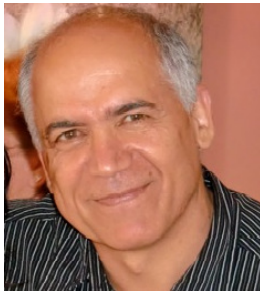
- پیشروی در جنبش کارگری همچننین خود را در شعارهای تجمعات کارگری نشان میدهد. شعار علیه اختلاس و استعفا مقامات در بسیاری از تجمعات شنیده میشود. یا شعار علیه حقوق مقامات که حداقل ۲۴ میلیون تومان و حقوق کارگران که ۹۰۰ هزار تومان یعنی یک پنجم خط فقر اعلام شده است.

- رهبران شناخته شده کارگری نیز که وجود آنها یکی از مهمترین

دستاوردهای جنبش کارگری در ایران است، با انتشار بیانیه های مختلف و بعضا مصاحبه با رسانه ها نقش بارزی در جنبش کارگری ایفا میکنند و البته طعم تلخ اخراج و محکومیت های طولانی زندان را هم به جان میخرند.

این پیشروی ها در شرایطی صورت گرفته است که علاوه بر سربوب و دستگیری و اخراج و سایر محرومیت های اجتماعی برای فعالین کارگری، ابعاد بیکاری طبق آمار دولتی به ۷ تا ۱۰ میلیون نفر رسیده است، چندین میلیون دانشجوی فارغ التحصیل به ارتش بیکاران پیوسته اند و همین دستمزد یک پنجم زیر خط فقر در اکثر مراکز کارگری از چند ماه تا دو سال پرداخت نمیشود.

این پیشروی ها موقعیت تازه ای به جنبش کارگری داده و وزن و ثقل سیاسی طبقه کارگر را در جامعه بطور آشکار تغییر داده و توجه وسیعی را از جانب سایر جنبش های اجتماعی به جنبش کارگری جلب کرده است. ارزیابی ما این است که این پیشروی ها کارگران را در آستانه ایجاد تشکل های سراسری خود قرار داده است چیزی که تاریخا از آن



محروم بوده اند.

اضافه کنم که حمایت سازمان های کارگری در سطح جهان از کارگران ایران، آنها را از یک پشتوانه سیاسی بزرگ و یک همبستگی طبقاتی بین المللی برخوردار کرده است. جا دارد که یکبار دیگر صمیمانه از حمایت های بیدریغ شما از مبارزات کارگران و کارگران زندانی در ایران که سهم غیر قابل انکاری در پیشروی کارگران در ایران داشته است قدردانی کنیم.

با احترام و آرزوی موفقیت برای جنبش کارگری در سطح جهان علیه تعرضات بیرحمانه سرمایه

اصغر کریمی

از طرف حزب کمونیست کارگری ایران

۶ آوریل ۲۰۱۷

زنده باد اول مه!

کارگران!

یک اول مه دیگر فرا رسید و ما همچنان زیر سیطره یک اقلیت بی خاصیت و مفتخور بنام طبقه سرمایه دار قرار داریم. یک اول مه دیگر فرا رسید و تولیدکنندگان تمام ثروتهای جامعه یعنی کارگران همچنان محروم ترین بخش جامعه اند. ارزان ترین کالا در این جامعه نیروی کار است که بنا به تعریف تنها کالایی است که ظاهرا در اختیار کارگران قرار دارد. اما عملا حاکمین و پادوهایشان تعیین میکنند که کارگر نیروی بازویش را به چه بهایی یعنی با پرداخت چه میزان مزد در اختیار صاحبان سرمایه قرار دهد. و امسال هم حکومت اسلامی با گستاخی تمام دستمزد یک پنجم خط فقر را برای ما رقم زده است.

کارگران! روز جهانی کارگر اول مه (۱۱ اردیبهشت) را به روز نمایش قدرت و اتحاد خود علیه حاکمین مفتخور و دزد تبدیل کنید! ما هرجا متحد پا به میدان گذاشته ایم پیروز شده ایم.

زنده باد اول مه روز جهانی کارگر!

اطلاعیه حزب کمونیست کارگری در باره "انتخابات" ریاست جمهوری

انتخاب مردم سرنگونی جمهوری اسلامی است!

حکومت اسلامی در جهان و منطقه منزوی تر شده است؛ حتی باندهای تروریستی شیعه اش در منطقه را هم نمیتواند متحد نگه دارد؛ برجامشان شکست خورده است؛ دورنمایی برای حل بحران ندارند و بی‌آلترناتیو تر از همیشه هستند. وضعیت جمهوری اسلامی آنچنان است که حتی "انتخابات" مایه دردسر سیاسی حکومت است. اینها از سایه خودشان هم میترسند!

کارگران، زنان، جوانان، دانشجویان، مردم ستم‌دیده و معترض،

در چنین شرایطی، ما باید و میتوانیم این بازی سیاسی درون حکومتی را به فرصتی برای متشکل شدن صفوفمان، افزایش دستمزدها، تحمیل بیمه بیکاری و بازنشستگی، آزادی زندانیان سیاسی، پایان دادن به تبعیض جنسیتی، تحمیل آزادیهای سیاسی و مدنی و فرهنگی، تحمیل پوشش اختیاری و لغو حجاب و بالاخره برای گسترش اعتراضاتمان و به چالش کشیدن کل این حکومت تبدیل کنیم. ما باید این مضحکه را به فرصتی برای قدرتمند کردن جنبش سرنگونی و پایان دادن به فقر و بیحقوقی و سرکوب و اعدام و شکنجه، پایان دادن به کابوس جمهوری اسلامی تبدیل کنیم.

نبردی بزرگ میان ما کارگران، ما زنان، ما جوانان و ما مردم محروم و ستم‌دیده، ما مردم معترض و مبارز، با شما سرمایه داران، شما آیت‌الله‌های میلیاردر، شما دزدان، شما مرتجعین، شما قاتلان و شکنجه‌گران، شما نمایندگان اسلامی سرمایه در جریان است. بازی انتخاباتی در میان شما، فقط یک صحنه از این نبرد بزرگ است که در آن انتخاب ما این است که کل حکومتتان با تمام جناحها و باندهای اصولگرا و اصلاح طلب و کاسه لیسان سیاسی تان در به اصطلاح

اپوزیسیون را یکجا به زباله دان پرت کنیم.
حزب کمونیست کارگری ایران

۱۴ فروردین ۱۳۹۶ - ۳ آوریل ۲۰۱۷

ما مردم ستم‌دیده و محروم خوب میدانیم که رفسنجانی و خاتمی و روحانی و "اصلاح‌طلبان" همیشه از ستونهای اصلی این عمارت خونین و چرکین بوده‌اند. خوب میدانیم یک دلیل مهم اختلافشان در بالا ترس از سرنگونی است. اما حکومت اسلامی اصلاح‌پذیر نیست و مردم اصلاح حکومت را نمیخواهند. مردم هیچ جناحی از حکومت را نمیخواهند. کل حکومت با همه جناحها و دار و دسته اش را نمیخواهند. میخواهند سرنگونش کنند.

مردم آزادیخواه و مبارز،

شیخ ۸۸ همچنان بالای سر حکومت اسلامی چرخ میزند. باندهای مختلف حکومت فراموش نکرده‌اند که چگونه در سال ۸۸ مردم بازی انتخاباتی را که قرار بود برای حکومت اسلامی مشروعیت دست و پا کند به ضدش تبدیل کردند. فراموش نکرده‌اند که مردم بساط "انتخاباتی" شان را به سکوی یک خیزش انقلابی تبدیل کردند و این حکومت را به لبه پرتگاه سیاسی نزدیک کردند. مضحکه انتخابات اینبار اما در شرایطی کاملاً جدید برگزار میشود:

اعتراضات کارگری گسترده تر شده است؛ خانواده‌های کارگری وسیعاً به صف اعتراض پیوسته‌اند؛ همبستگی میان مردم ابعاد جدیدی به خود گرفته است؛ زندانیان سیاسی همچنان از درون سياهچالهای اسلامی به مبارزه ای جسورانه ادامه میدهند؛ امواج اعتراضات علیه اعدام، علیه تبعیضات ضد زن، علیه شریعت و فرهنگ و خرافات اسلامی، علیه تخریب محیط زیست، علیه دزدی و چپاول اسلامی بالا گرفته است. و زیر فشار همه اینها باندهای اسلامی از یکطرف بیشتر به جان هم افتاده‌اند، دزدی همدیگر را افشا میکنند و خرخره همدیگر را می‌جویند و از طرف دیگر همه باهم و به خاطر کل نظامشان به چاپلوسی در مقابل مردم متوسل میشوند تا مردم مضحکه انتخاباتشان را به سکوی برای رو در رویی با نظام تبدیل نکنند. در کنار این جوش اعتراضی و وضعیت بحرانی در داخل،

بار دیگر مردم ایران در آستانه شعبده بازی سیاسی به نام انتخابات در جمهوری اسلامی قرار دارند. بار دیگر قرار است در ۲۹ اردیبهشت از میان سرداران جنایتکار و چپاولگر اسلامی تعدادی را از قیف "اعتقاد و التزام عملی به ولایت مطلقه فقیه" رد کنند و یکی را در راس دولت قرار دهند تا به عنوان رئیس جمهور اسلامی در بالا کشیدن دستمزد کارگران، در مقابله با اعتصاب و اعتراضات کارگری، در زندانی کردن فعالین کارگری و سیاسی، در سازماندهی آپارتاید جنسی، در مقابله با نسلی از جوانان مدرن، در تحمیل فرهنگ عزا و ماتم، در تخریب محیط زیست به نظام اسلامی خدمت کند!

بعد از ۳۸ سال حاکمیت سرمایه داری اسلامی، چه کسی نمیداند که انتخابات در جمهوری اسلامی کشمکش باندهای حاکم بر سر قدرت و تقسیم پست هاست. کشمکش باندهای مختلف حکومت برای بردن سهم بیشتر است. دعوای جناحها بر سر عمر خریدن برای جمهوری اسلامی است. تقلای سیاسی برای عرضه کردن چهره‌ای مشروع در جهان از حکومتی منفرود است.

مثل همیشه سران حکومت نگران از انزجار مردم از حکومت اسلامی و انتخاباتش، به هر حقه بازی دست میزنند تا مردم را پای صندوقها بکشند. عکس گرفتن با زنان و جوانان را شروع کرده‌اند. "اصلاح‌طلبان" ملی - اسلامی برای داغ کردن معرکه انتخابات دست به کار شده‌اند. مثل همیشه بی بی سی و صدای آمریکا و طیف اکثریتی - توده‌ای در نقش پادوهای کمپین انتخاباتی "اصلاح‌طلبان" جمهوری اسلامی ظاهر شده‌اند. مثل همیشه این طیف در نقش دلکچهای سیاسی بازی نخ نمای انتخاب میان "بد و بدتر" ظاهر شده‌اند و این بار عراق و سوریه را جلوی چشم مردم میگیرند تا مردم به تداوم حکومتی رضایت دهند که خود پیش کسوت داعش در منطقه و یک پای اوضاع فاجعه بار عراق و سوریه بوده است.

در مقابل این طیف شارلاتان، ما کارگران، ما زنان و جوانان،

حمله شیمیایی به مردم بی‌دفاع

سوریه شدیداً محکوم است!



این جنایت علیه بشریت است!

در ساعات اولیه باامداد امروز سه شنبه ۱۵ فروردین (۴ آوریل)، رژیم بشار اسد، در اقدامی جنایتکارانه مناطق مسکونی شهرک "خان شیخون" در استان ادلب را با استفاده از گازهای شیمیایی از جمله گاز کلرین از هوا مورد حمله قرار داد. طبق گزارشات مختلف، این حمله هولناک تا کنون بیش از ۱۰۰

کشته و ۴۰۰ مجروح و مسموم بر جای گذاشته و آمار تلفات رو به ازدیاد است. بیشتر کشته شدگان زنان و کودکان هستند. اکثر کودکان کشته شده، زیر ۸ سال سن داشته‌اند. کودکان و بسیاری از مردم در حال خفگی جان دادند و در خیابان‌ها رها شده‌اند. تنها بیمارستانی که در آن مجروحین حمله شیمیایی در خان شیخون مداوا می‌شدند نیز، دو بار هدف حملات هوایی قرار گرفت.

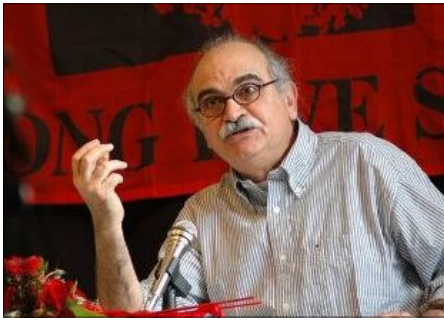
طی هفته جاری خبرگزاری‌ها از دو مورد بمباران شیمیایی در استان حما نیز گزارش داده‌اند. نیروهای بشار اسد و متحدین جنایتکار آن، جمهوری اسلامی و دولت روسیه، طی چند روز گذشته درگیر نبرد شدیدی در این منطقه بودند.

طی شش سالی که از جنگ داخلی در سوریه می‌گذرد، اسد و متحدین او، بارها دست به اقدامات

قرار "در مورد جنبش تشکلیابی کارگری"

مصوب کنگره ۱۰ حزب چه میگوید؟

سوال از حمید تقوایی



مبارزات کارگری را سرکوب میکند. اما مانعی که دشمن ایجاد میکند را نمیتوان شرایط نامطلوب و یا غیر مساعد مبارزه محسوب کرد. مقابله با فشارهای حکومت جزئی از نبرد ما است و نه شرایط محدود کننده آن. جمهوری اسلامی يك حکومت سرکوبگر است ولی در مقابله با همین حکومت جنبش کارگری پیشرویهایی چشمگیری داشته است. مقایسه کنید وضعیت امروز طبقه کارگر را نه حتی با دوران رژیم گذشته بلکه با ده سال و حتی پنج سال قبل. جنبش کارگری در عرصه های مختلف تعرضی تر شده، از نهادها و چهره های فعال و شناخته شده ای برخوردار است، خواسته ها و بیانیه های کارگری رادیکالی حتی از زندانها از سوی چهره های کارگری رو به جامعه اعلا میشود، جنبش های معینی مثل جنبش دستمزد شکل گرفته است، هماهنگی و وحدت بیسابقه ای بین معلمان و پرستاران و بازنشستگان و دیگر بخشهای طبقه کارگر شکل گرفته است، فعالین جنبش های دیگر نظیر جنبش علیه اعدام و آزادی زندانیان سیاسی به فعالین جنبش کارگری نزدیک تر شده اند و با آنان ابراز همبستگی میکنند، و سرها هر چه بیشتر بظرف جنبش کارگری چرخیده است. در رابطه با اتفاقی که در ساختمان پلاسکو افتاد دیدید چگونه جامعه از کارگران آتش نشانی تجلیل کرد و آنها را در آغوش گرفت. یا در نمونه راهپیمائی کارگران هپکو دیدیم چطور کارگران معترض شعارهای سیاسی مطرح میکنند که در واقع حرف دل همه مردم است. تمام اینها علیرغم استبداد و دیکتاتوری جمهوری اسلامی و رو در رو با آن اتفاق می افتد. به موازات همه این مبارزات و پیشرویها جنبش تشکلیابی هم میتواند جلو بیاید و

صفحه ۵

متشکل کردن کارگران داشته باشیم. بنظر من تشکلیابی باید به يك هدف و يك امر درخود فعالین جنبش کارگری تبدیل بشود. همانطور که بند اول قرار میگوید ابراز وجود و به اصطلاح عرض اندام طبقاتی طبقه کارگر به تشکلكش وابسته است. کارگر منفرد نمیتواند بعنوان يك طبقه اجتماعی ابراز وجود کند و بهمین دلیل برای طبقه کارگر تشکلك يك امر و هدف درخود و حیاتی است. تشکلك برای بخشهای دیگر جامعه ممکن است این جایگاه را نداشته باشد ولی برای طبقه کارگر تشکلك فقط يك ابزار مبارزه نیست، بلکه امری است که فی النفسه اهمیت دارد. تشکلك به طبقه کارگر هویت و قدرت میدهد و اجازه میدهد کارگر بعنوان يك طبقه اجتماعی سر بلند کند و نظر و توجه توده مردم، نود و نه درصدیهای جامعه را بخودش جلب کند و بعنوان نماینده و مظهر رهائی كل جامعه از سلطه کاپیتالیسم شناخته بشود. همه اینها در گرو متشکلك شدن طبقه کارگرت. ما به فعالین هر چه بیشتری نیاز داریم که با همین دید به امر سازماندهی و تشکلك یابی کارگران نگاه کنند، آستین بالا بزنند و در این عرصه فعال بشوند.

انترناسیونال: معمولاً گفته میشود سرکوب و تعقیب و بازداشت فعالین کارگری يك مانع اساسی بر سر تشکلیابی کارگران است. نظر شما در این مورد چیست؟ در شرایط حاضر تا چه حد تشکلیابی امکان پذیر است؟

حمید تقوایی: سرکوب و اعمال فشار و مانع تراشی های حکومت يك واقعیت است اما این جزئی از تعریف مبارزه است. معلوم است که حکومت طبقه سرمایه دار، آن هم در کشورهایی مثل ایران که دیکتاتوری و استبداد سنت سابقه داری است،

جلو است و باید این سنت را تقویت کرد ولی این کافی نیست. معمولاً با فروکش کردن آن مبارزه و اعتراض مشخص برپائی مجمع عمومی و یا هر نوع تشکلك دیگری که در آن اعتراض شکل گرفته ادامه پیدا نمیکند. گویی امر تشکلك وقتی مبارزه ای در جریان نیست موضوعیت و مطلوبیت خود را از دست میدهد و کنار گذاشته میشود و یا تا مبارزه یعنی به امری جانبی تبدیل میشود. معمولاً فعالین جنبش کارگری پیشروی مبارزات را با خواستها و مطالبات و اینکه چقدر کارگران به خواسته ها و مطالباتشان رسیده اند ارزیابی میکنند. این شاخص درستی است ولی تنها شاخص نیست. يك شاخص مهم دیگر که در دل همه مبارزات فعالین باید مد نظر قرار بدهند این است که از هر مبارزه کارگران چقدر متشکلك تریرون می آیند و چقدر متشکلك میمانند. این يك معیار و شاخص مهم پیشروی طبقه کارگر است. حتی در مواردی مهمتر از آن خواستی است که کارگران مطرح میکنند. يك فعال جنبش تشکلیابی از این زاویه به مبارزات نگاه میکند و پیشروی و دستاوردهای خودش را بر این مبنا ارزیابی میکند که در دل هر مبارزه مشخص چقدر کارگران متشکلك تر شده اند، چقدر تشکلك تبدیل به يك سنت شده است، و چقدر کارگران بدنبال هر اعتراض و مبارزه مشخص، متشکلك باقی مانده اند. ما فکر میکنیم جنبش کارگری به چنین فعالینی احتیاج دارد. هم اکنون فعالینی هستند که امرشان متشکلك کردن کارگران است ولی باید این امر را گسترده تر کرد، باید این جنبش را متعین کرد و پرچمش را برافراشت و با همین اسم "جنبش تشکلك یابی" به آن رجوع کرد. همانطور که ما جنبش برای افزایش دستمزد داریم باید جنبشی برای

واحدها و رشته های تولیدی مختلف وسعت گرفته و میتوان گفت به يك سنت در جنبش کارگری تبدیل شده است. اینها همه تجربیات ذیقیمتی هستند که بویژه در چند سال اخیر جنبش کارگری بدست آورده است. یکی از دلایلی که در چنین مقطعی این قرار را کنگره حزب تصویب کرد همین شرایط هست. منتها اگر میخواستیم صرفاً تجربیات و پیشرویهایی موجود را تصویر کنیم یا آنها را تأیید کنیم احتیاجی به چنین قرار نبود. در دل این شرایط کنگره حزب انگشت میگذارد بر "جنبش تشکلك یابی" و نه صرفاً تلاش برای متشکلك شدن در دل مبارزات. قرار میگوید با توجه به شرایط مساعد حاضر کاملاً این امکانپذیرست که ما به يك جنبش مشخص برای متشکلك شدن و متشکلك ماندن کارگران شکل بدهیم. جنبشی که مانند هر جنبش دیگری، مثلاً جنبش افزایش دستمزدها، فعالین و چهره های خودش را داشته باشد، پیشروانی داشته باشد که امرشان متشکلك کردن و متشکلك نگهداشتن کارگران باشد در همه سطوح و عرصه ها، چه در سطح واحدهای تولیدی، و چه کارگران بخشها و رشته های تولیدی نظیر پتروشیمی و ماشین سازی ها و چه کارگران بخشهای خدماتی که در مراکز تولیدی متجمع نیستند مثل بخشهای آتش نشانی، پرستاران، مثل کارگران شرکت واحد و نظایر آن. در شرایط حاضر ایجاد تشکلك در میان بازنشستگان نیز کاملاً امکانپذیر است. در همه این رشته ها و عرصه ها باید فعالینی قدم جلو بگذارند که امر و هدف درخودشان متشکلك کردن کارگران باشد.

در شرایط حاضر کارگران در دل مبارزه متشکلك میشوند. اکثر قریب باتفاق مجمع عمومی ها در دل اعتراضات کارگری تشکلك میشود. این گام بسیار مثبتی به

انترناسیونال: یکی از قرارهای مصوب کنگره دهم در مورد جنبش تشکلك یابی کارگری است. با توجه به مبارزه گسترده ای که مدنهادست در جنبش کارگری برای برخورداری از حق تشکلك و ایجاد تشکلكهای کارگری در جریان است علت تصویب قرار در مورد تشکلیابی چیست؟ این قرار چه فراخوان ویژه ای خطاب به فعالین کارگری و اساساً جنبش کارگری دارد؟

حمید تقوایی: مبنا و هدف این قرار شکل دادن به جنبش تشکلیابی کارگران است. واضح است که مبارزه و تلاش برای متشکلك شدن و ایجاد سازمان برای متشکلك ماندن همزاد طبقه کارگر است و در ایران نیز این امر جزئی از مبارزات همیشگی کارگران بوده است. اما در این قرار بحث بر سر سازماندهی يك "جنبش" معین برای تشکلیابی است. تأکید بر جنبش است.

اولین بند قرار میگوید تشکلك صرفاً ابزار مبارزه نیست بلکه ابزار هویت طبقاتی و اجتماعی طبقه کارگر هم هست. هویت طبقاتی کارگر در تشکلك کارگران متجلی میشود. کارگر بطور جمعی و در تشکلك بعنوان يك طبقه اجتماعی قد راست میکند و در برابر کارفرما و دولت سرمایه داری قرار میگیرد. در ایران و در همه جای دنیا همینطور است. در ایران بویژه در چند سال اخیر شاهد بوده ایم که تلاش برای ایجاد تشکلكهای کارگری در دل مبارزات جاری خیلی گسترده تر و پیگیر تر شده است و علاوه بر نهادهایی که فعالین کارگری ایجاد کرده اند، نهادهایی که با اسم و رسم با چهره های علمی و سرشناس و با بیانیه ها و موضعگیریهایشان نقشی مهمی در جنبش کارگری دارند، تشکلكهای سراسری ای مانند کانون صنفی معلمان نیز شکل گرفته است. و با تشکلك مجامع عمومی در دل اعتراضات و مبارزات کارگران در

قرار در مورد جنبش تشکیلاتی کارگری ...

از صفحه ۴

سر بلند کند، میتواند پا بگیرد و به ایجاد تشکلهای توده ای کارگری منجر بشود.

جمهوری اسلامی سرکوب میکند ولی شرایط امروز بهیچوجه شبیه گورستان آریامهری یا مصر دوره حسنی مبارک و تونس در دوره بن علی نیست. جامعه دارد می جوشد و بخصوص جنبش کارگری در راس جنبشهای اعتراضی و یک سرو گردن جلوتر از آنها بسیار فعال است. اگر ده سال قبل کسی به شما میگفت باید یک جنبش دستمزد براه انداخت و کسی جواب میداد که توازن قوا اجازه نمیدهد و جمهوری اسلامی نگذازد و این به باور عمومی فعالین تبدیل میشد، امروز جنبش دستمزد با خواست حداقل دستمزد ۳ و نیم میلیون و طومار چهل هزار امضا و بیانیه عظیم زاده - عبدی که در واقع پاتفرم وحدت کارگر و معلم از جمله حول افزایش دستمزد ها و حقوقهاست را نمی داشتیم.

بعنوان یک نمونه دیگر وقتی ما بحث تعیین بخشی را مطرح کردیم مبنی بر اینکه فعالین کارگری میتوانند و باید علنی فعالیت کنند و جنبش کارگری باید چهره های علنی و سرشناس داشته باشند با بحث ما با این استدلال مخالفت میشد که این از لحاظ امنیتی درست نیست، توازن قوا اجازه نمیدهد و شما دارید کارگران را بخطر میاندازد و غیره. امروز خوشبختانه چهره های زیادی از جنبش کارگری فعالند، محبوب و سرشناس هستند، اطلاعیه و فراخوان میدهند و خواستههای کارگران و توده های مردم را بیان

میکند. همه اینها در جمهوری اسلامی و علیرغم سرکوبگریها و علیرغم مانع تراشیهای جمهوری اسلامی انجام شده است. بحث ما اینست که جنبش تشکلی یابی نیز میتواند شکل بگیرد و فعال شود و فعالین و چهره ها و نهادهای سرشناس خودش را داشته باشد.

گره کارسروکاری حکومت نیست. همانطور که گفتم این صورت مساله ماست. به نظر من یکی از ضعفها اینست که بسیاری از فعالین جنبش کارگری تشکلی یابی را در این چهارچوبی که توضیح دادم نمی بینند. بیشتر به تشکلی بعنوان ابزار مبارزه برای خواستههای دیگر کارگران نگریسته میشود. در حالی که یکی از اساسی ترین و محوری ترین خواستها حق تشکلی و ایجاد تشکلهای توده ای کارگری است. بهمین دلیل ما به اکتیویستها و فعالینی احتیاج داریم که قدم بجلو بگذارند و حول خواست تشکلی جنبش فعال و پیگیری را سازمان بدهند.

بعنوان آخرین نکته در مورد امکانپذیری تشکلی یابی کارگران در شرایط امروز باید به نقش مدیای اجتماعی تاکید کرد. تجربه معلمان نشان میدهد که حضور میتوان از مدیای اجتماعی برای متشکل شدن استفاده کرد. متشکل شدن نه فقط در شبکه های مدیای اجتماعی بلکه بطور واقعی در جامعه. امروزه نه تنها در ایران بلکه در تمام دنیا مردمی که میخواهند اعتراض کنند از طریق مدیای اجتماعی خودشان را سازمان میدهند. جنبش اشغال در غرب و انقلابات موسوم به

حمله شیمیایی به مردم بیدفاع سوریه

از صفحه ۳

جنایتکارانه جنگی زدهاند. سازمان منع گسترش تسلیحات شیمیایی وابسته به سازمان ملل تایید کرده است که این حکومت بارها و بارها، بصورت گسترده، از گاز کلر علیه مردم بیدفاع غیر افتاده در مناطق جنگی استفاده کرده است.

حمله شیمیایی و بمباران مداوم مناطق مسکونی با انواع تسلیحات جنگی، جنایت آشکار علیه بشریت

است. جمهوری اسلامی و دولت روسیه، بعنوان همداستان این جنایات بی شمار، مسئول مستقیم فجایعی هستند که مردم سوریه را در گردابی از خون گرفتار کرده است. دولت های عربستان و ترکیه نیز بر متن شرایطی که دولت آمریکا در منطقه ایجاد کرد، یکپای شکل دادن به انواع جریانات تروریست اسلامی و فاجعه سوریه هستند.

این اقدامات وحشیانه نباید

بهار عرب اساسا به کمک مدیای اجتماعی شکل گرفت. به طریق اولی در ایران هم مدیای اجتماعی میتواند به کمک فعالین جنبش کارگری و دیگر جنبشهای حق طلبانه بیاید. تجربه معلمان و کانون صنفی میتواند الگویی باشد برای بازنشستگان، برای پرستاران، برای کارگران آتش نشانی، کارگران شهرداریها و سایر بخشهای خدماتی و همچنین کارگران رشته های تولیدی مختلف. در همه این عرصه ها مدیای اجتماعی میتواند یک ابزار کارآمد و موثر فعالین جنبش تشکلی یابی باشد. مدیای اجتماعی بخصوص امکان میدهد که فعالین کارگری از سطح واحد تولیدی خود و حتی رشته و شهر خود فراتر بروند. همانطور که تجربه نهادهای فعالین کارگری نشان میدهد شبکه مدیای اجتماعی و شبکه ارتباطات اجتماعی که به کمک آن ایجاد میشود در سطح یک کارخانه و رشته محدود نیمه ماند بلکه شهرها را به هم پیوند میدهد و عملا شکلی سراسری بخود میگیرد. امروز بسیاری از اکتیویستها و فعالین جنبش کارگری به صورت سراسری مرتبط هستند. نهادهایی که از فعالین تشکلی شده است نشان میدهد که تشکلی یابی میتواند در یک سطح وسیعتری از یک واحد تولیدی شروع بشود و بعد پایه هایش را در واحدها و رشته های تولیدی، از جمله و بویژه با تشکلی مجامع عمومی، مستحکم کند. اینها همه مولفه های مختلفی است که فعالین جنبش تشکلی یابی باید مد نظر داشته باشند.

بی پاسخ بماند! ما همه مردم آزاده جهان و احزاب و نیروهای چپ و انساندوست را به اعتراض به این جنایت تکانهنده فرا میخوانیم.

حزب کمونیست کارگری، این اقدام ضد بشری و فاجعه دردناک را شدیداً محکوم می کند و خواهان محاکمه علنی مسببین این جنایت هولناک است. ما صمیمانه، خود را شریک درد بازماندگان می دانیم.

حزب کمونیست کارگری ایران ۱۵ فروردین ۱۳۹۶، ۴

آوریل ۲۰۱۷

درباره رفراندوم

و جدائی کردستان عراق

بیداد میکند. دولت اقلیمی و دولت مرکزی یکدیگر را بعنوان مسئول و عامل مصائب مردم کردستان بمردم نشان میدهند و هر دو درست میگویند! این وضعیت باید خاتمه پیدا کند. جدائی به مردم امکان میدهد هم سرنوشت خود را از دولت مرکزی و کشمکش میان دار و دسته های قومی و اسلامی در عراق جدا کند و هم مبارزه علیه بورژوازی کرد را در شرایط مساعدتری به پیش ببرند.

تجربه بیش از ۲۵ سال حاکمیت احزاب ناسیونالیستی به مردم کردستان نشان داده است که برای برخورداری از یک زندگی انسانی و بری از تبعیضات مذهبی و قومی و ملی باید دست این احزاب از حکومت کوتاه بشود. برای کارگران و توده مردم کردستان جدائی از عراق از یکسو در عراق منتهاست شیرازه جامعه از هم گسیخته شده و نیروهای فوق ارتجاعی اسلامی - قومی زندگی را به جهنمی برای توده مردم تبدیل کرده اند و از سوی دیگر در منطقه کردستان عراق بیش از دو دهه حاکمیت احزاب ناسیونالیستی بجز غارت و چپاول ثروت جامعه بوسیله اقلیت مفتخور حاکم و فقر و بیحقوقی اکثریت مردم ثمری در بر نداشته است. جدائی برای کارگران و توده مردم کردستان عراق قبل از هر چیز راهی برای خلاصی از این وضعیت است. امروز در کردستان عراق ستم ملی وجود ندارد ولی فساد و دزدی و فقر و بیحقوقی

اخیرا احزاب ناسیونالیستی حاکم در کردستان عراق اعلام کرده اند بزودی موضوع جدائی کردستان از عراق را به رفراندوم خواهند گذاشت. این اولین بار نیست چنین امری از جانب مقامات حکومت اقلیمی مطرح میشود. ناسیونالیسم کرد بیش از ۲۵ سال است در کردستان عراق در حاکمیت است و در مقاطع متعددی مساله جدائی را به عنوان یک ابزار تاکتیکی و یک برگ معامله و تنظیم مناسبات با دولت مرکزی و دیگر دولتهای منطقه بکار گرفته است. این بار نیز طرح رفراندوم میتواند از حد یک مانور تاکتیکی برای سهمخواهی بیشتر فراتر نرود ولی مستقل از اهدافی که احزاب ناسیونالیستی دنبال میکنند برای مردم کردستان جدائی از عراق امری جنی است.

از یکسو در عراق منتهاست شیرازه جامعه از هم گسیخته شده و نیروهای فوق ارتجاعی اسلامی - قومی زندگی را به جهنمی برای توده مردم تبدیل کرده اند و از سوی دیگر در منطقه کردستان عراق بیش از دو دهه حاکمیت احزاب ناسیونالیستی بجز غارت و چپاول ثروت جامعه بوسیله اقلیت مفتخور حاکم و فقر و بیحقوقی اکثریت مردم ثمری در بر نداشته است. جدائی برای کارگران و توده مردم کردستان عراق قبل از هر چیز راهی برای خلاصی از این وضعیت است. امروز در کردستان عراق ستم ملی وجود ندارد ولی فساد و دزدی و فقر و بیحقوقی

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۸ فروردین ۱۳۹۶، ۷ آوریل
۲۰۱۷



(WPI) حزب کمونیست کارگری ایران



اول مه امسال باید و می‌تواند، روز پیوند این اعتراضات با یکدیگر و اعتراض گسترده همه مردم علیه تبعیض، نابرابری و برای داشتن یک زندگی انسانی باشد.

اول مه امسال روز اعتراض علیه اختلاسها، حقوقهای نجومی ۲۴ میلیونی و دستمزدهای زیر خط فقر و کل این بساط تبعیض و نابرابری است. اول مه امسال بیش از هر وقت روز سر دادن سرود آزادیخواهی و برابری طلبی، و اعتراض به تمام مصائب سرمایه داری حاکم است. در شرایطی که مردم در عرصه های مختلفی صف اعتراضشان را شکل داده و به جلو می آیند. در دل این مبارزات دهها و صدها نهاد در دفاع از حقوق انسانها شکل گرفته است، جا دارد تمامی نهادهای دفاع از حقوق کودک، دفاع از حقوق زن، کانون نویسندگان، نهادهای اعتراض علیه تخریب محیط زیست، کارزارهای مبارزاتی پایان کارتن خوابی، و صدها نهاد و کارزار مبارزاتی دیگر به مناسب روز جهانی کارگر به میدان آیند، بیانیه دهند و کیفرخواست خود را علیه توحش سرمایه داری حاکم اعلام کنند. و با بیانیه های مشترکشان صف متحد اعتراض طبقاتی شان را به نمایش بگذارند.

باید در چنین ابعادی و در سطحی سراسری به استقبال یک اول مه با شکوه و قدرتمند برویم تا پاسخ جریاناتی چون خانه کارگری های حکومتی را هم داده باشیم.

کل نظام حاکم و قوانین بردگی اش را به چالش کشیده و به کل بساط مضحکه انتخابات حکومت و جنایتشان نه گفتند. اکنون ۲۵ سال از آن زمان میگذرد و هم جنبش کارگری و هم اعتراضات مردم در موقعیت بسیار قدرتمند تری قرار دارد و چنین سودایی میتواند ریسک بزرگی برای مزدوران خانه کارگر و کل حکومت باشد.

از جمله سال گذشته یکی از پر تحرک ترین سالهای اعتراضی کارگران بود. سال گذشته سال به میدان آمدن هر چه بیشتر خانواده های کارگری و شرکت هر چه فعالترشان در اعتراضات بود. سال درخشش اعتراضات کارگران هپکو و راهپیمایی با شکوهشان با سرود آزادی و همبستگی در وسط شهر اراک بود. سال اعتراض قدرتمند کارگران ایرانسفو و مارش زیبایشان در کارخانه بود. سال تجمعات هزاران نفره کارگران، معلمان، بازنشستگان و اتحاد و همبستگی بود. سال تجمعات سراسری کارگران نفت، مخابرات، پتروشیمی ها، کارگران برق و آتش نشانی ها و بخش های دیگر کارگری در مقابل مجلس در تهران بود. سال اعتراضات گسترده مردم خوزستان و راهپیمایی آنها در شهر اهواز علیه آلودگی هوا و با اعتراض علیه بیکاری و اختلاس ها بود. سال اعتراض علیه امنیتی کردن مبارزات مردم و بلند شدن شعار کارگر زندانی، زندانی سیاسی آزاد باید گردد بود. سال بیانیه فراگیر دانشجویان و شعار نه تفکیک جنسیتی، نه توهین جنسیتی بود،

کارگران در هفته ای که گذشت اول مه خانه کارگر جمهوری اسلامی و اول مه کارگران

شهلا دانشفر

خبرها حکایت از این دارد که خانه کارگر جمهوری اسلامی تلاش دارد مناسب اول مه را به موضوعی برای کارزار کثیف انتخاباتی به نفع یک جناح حکومت تبدیل کند.

مضحکه انتخاباتشان در پیش است. طیف های رنگارنگی از جریانات ملی - اسلامی و توده ایستی بنا بر سنت همیشه، باز هم در تدارک داغ کردن تنور مضحکه انتخابات حکومت برای ریاست جمهوری و شوراهای اسلامی شهرها شده اند و خانه کارگری های حکومتی بیشرمانه اول مه روز جهانی کارگر را برای این بازی کثیف شان برگزیده اند. یک محور تبلیغات همه اینها اینست که گویا اگر برجامشان به لحاظ اقتصادی دردی از مردم دوا نکرده است، حداقل برای ایران "امنیت" را در پی داشته است. و برای اینکه ایران عراق و سوریه نشود، چاره ای نیست که مردم بین بد و بدتر، به در انتخاب کنند. این بیشرمان با اینکار میکوشند در برابر مبارزات گسترده کارگران و کل جامعه که هر روز متعرض تر، سازمانیافته و با خواستههای رادیکالتری به جلو می آیند، حکومت اسلامی را که خود داعش ایران است و یک پای اصلی به نامی کشاندن کل منطقه بوده است، از زیر ضرب مردم بیرون کشند و برایش چند صباحی بیش عمر بخرند.

جواب این ابلهان و مزدوران کثیف حکومتی اینست که این روحانی و باندهای جنایتکار حکومتی نیستند که نگذاشته اند، ایران سوریه و یا عراق شود و ضامن امنیت مردم هستند. بلکه برعکس این مردم شریف ایران هستند که با مقابله با جمهوری اسلامی و کل ارتجاع قومی و اسلامی، با دفاع از خواستههایی انسانی و مدرن مانع تبدیل شدن ایران به صحنه کشاکش باندها و دستجات قومی و مذهبی شده اند. این جنبش های رادیکال،

مدرن و انسانی مردم در عرصه های مختلف اعتراضی و در پیشاپیش آن جنبش قدرتمند کارگری است که علیه کل بساط سرمایه داری حاکم در ایران هر روز قدرتمند تر به جلو می آید و به انواع جک و جانورهای مثل مقتدا صدر و قومگرایان و ناسیونالیست فاشیست میدان نمیدهد که ایران را عراقیزه کنند و یا به سوریه تبدیل کنند. این جنبش های اعتراضی مردم است که در تقابل با حکومت و باندهای جنایتکار و تبهکارش، سرود آزادیخواهی و برابری طلبی سر میدهد. نمونه های بارز این جنبشها، اعتراضات هزاران نفره کارگران، معلمان و بازنشستگان در مقابل مجلس بود که با شعارهایی چون «یک اختلاس کم بشه، مشکل ما حل میشه»؛ «ما اینجا نبودیم، تو اون بالا نبود»؛ «ملک نجومی تو، ما را بی مسکن کرده»؛ «دیلم که چگونه به کل این بساط تبعیض و نابرابری اعتراضشان را بیان کردند. و یا مارش عظیم کارگران هپکو در وسط شهر اراک که در آن کارگران با سرود "زیر بار ستم نمیکنیم زندگی، جان فدا میکنیم در ره آزادی"، سرود آزادی سر دادند و هم اکنون به سرود همبستگی کارگران در ایران تبدیل شده است. در برابر این واقعیت شورانگیز و در هراس از آن است که نیروهای کثیف حافظ نظام، فریبکارانه مدال امن نگاهداشتن جامعه را به باند روحانی میدهند، تا مبارزات کل مردم را عقب بزنند و فرصتی دیگر برای حکومت بخرند.

از همین روست که خانه کارگر جمهوری اسلامی و دار و دسته های مزدورش نیز روز کارگر را برگزیده اند و میکوشند به اسم کارگر در این روز بازار انتخابات را برای باند روحانی داغ کنند. اما کیست که نداند که دولت روحانی، در ادامه سی و چند سال جنایت حکومت اسلامی، رکورد اعدام ها را داشته است. کیست که نداند که دولت روحانی با تشدید سیاست ریاضت اقتصادی

www.wpiran.org

سایت حزب:

www.rowzane.com

سایت روزنه:

www.newchannel.tv

سایت کانال جدید:

www.anternasional.com

نشریه انترناسیونال:

انتخابات: جدال جناح ها و ...

از صفحه ۶



صندوق ها می کشاند. این هم بخشی از مهندسی انتخابات در جمهوری اسلامی است.

در کنار این تمهیدات، اینبار هم، سناریو تکراری "بد و بدتر" و تحریک مردم برای شرکت در انتخابات در دستور است. به این خاطر، اصولگرایان یکی از دزدان و آدمکشان حرفه ای خود را بجای صحنه فرستاده اند. ابراهیم رئیسی داماد احمد علم‌الهدی امام جمعه مشهد، از نزدیکان خامنه ای و رئیس تولیت آستان قدس رضوی، با سوابق حضور در ارگانهای مختلف حکومتی و همچنین، مشارکت در قتل های زندانیان سیاسی در دهه شصت، بحق کاندید مناسبی برای انتخابات فرصتی برای تجدید آرایش درونی رژیم و تحکیم موقعیت باندهای حکومتی در مقابل یکدیگر است. کشاندن مردم به پای صندوق های رای و مشروعیت دادن به انتخابات و نظامشان اما، دغدغه اولویت اول همه آنها است. به همین خاطر، همه دستجات حکومتی و از

علیرغم همه اختلافات جناحی، یک مشغله جدی همه دار و دسته های آدمکش و دزد این است که چگونه مردم را بپای صندوق های رای بکشاند. این سؤالی است که در همه انتخابات ها و در اتاق های فکری همه باندهای حکومتی روی میز است. همزمان که زیر پای یکدیگر را خالی می کنند، طرح و نقشه می ریزند که با توسل به کدام تمهیداتی تنور گرمی برای انتخابات بر پا کنند.

همزمانی انتخابات شوراهای شهر و روستا با انتخابات ریاست جمهوری امکانی را فراهم میکند که جمعیت بیشتری را بپای صندوق ها بکشاند و تصویر گسترده تری از مشارکت مردم در انتخابات را، بنمایش بگذارند. در انتخابات شوراهای شرایط سهل تر است. کاندید شدن با موانع کمتری روبروست. تعداد کاندیدها بسیار زیاد و در پی آن نیز، رقابت ها گسترده است. این شرایط منجر به ایجاد حس توهم و امکان تغییر در شرایط شهر و روستا می شود و تعداد بیشتری را بپای

حجاب و آرایش کرده عکس بگیرند و تصویر تلطیف شده و شبیه به آدمیزاد از خود بنمایش بگذارند. انتشار عکس های روحانی و احمدی نژاد در کنار زنان آرایش کرده که تقریباً حجابی هم ندارند، یک گوشه این تبلیغات و تصویرسازی مضحک شان است. جالب است که ابراهیم رئیسی هم، خود را به مسابقه تصویر سازی رسانده است. در کمپین انتخاباتی رئیسی، عکسی از او در دست زنان آرایش کرده و کم حجاب دیده میشود که روی آن عبارت "رئیس بیبا" نوشته شده است.

زمان کوتاهی تا برگزاری انتخابات باقی است و هنوز تکلیف برخی از رقبای اصلی نامشخص است. اصول گرایان که صفوفشان متشتت تر است با اعلام کاندیداتوری ابراهیم رئیسی در پی اتحاد صفوفشان هستند. این در حالی است که تکلیف روحانی که امید اصلاح طلبان است، هنوز نامشخص است.

نگار از جمله احسان مازندرانی، هنگامه شهیدی و مراد ثقفی و همچنین دوازده نفر از مدیران کانال های تلگرامی نزدیک به دولت و اصلاح طلبان با رقابت های جناحی مرتبط است. دستگیری ها به اطلاعات سپاه نسبت داده می شود. محمود علوی وزیر اطلاعات اعلام کرد که دولت با این دستگیری ها مخالف است. جنتی به جناح مقابل در مورد برقراری رابطه با آمریکا تشر میزند و تاکید میکند که صلاحیت روحانی باید از نو، بررسی شود. احمدی نژاد در سخنرانی خود در اهواز در حملاتی که بعضاً آنرا متوجه خامنه ای و پاره ای متوجه روحانی میدانند، با لحنی تند میتازد و آنها را نفهم مینامد. اینها فقط چند نمونه از کشمکش جناح ها پیش از شروع انتخابات است. نه فقط رقابت و کشمکش جناحی بلکه، تبلیغاتشان هم، شروع شده است. مد شده است که با زنان کم

جمله خامنه ای هر بار مردم را به مشارکت در انتخابات، ولو مخالف نظام هم باشند، ترغیب کرده اند.

با این تفاسیل و علیرغم تمهیداتی که جناح های رژیم برای از سر گذراندن انتخابات در دستور دارند، واقفند که انتخابات فقط میدان بازی آنها نیست. انتخابات فرصتی برای ورود گسترده مردم به میدان سیاست، دخالت در روندها و برهم زدن بازی جناح ها هم، می تواند باشد. بویژه اینکه، نمایش انتخاباتی در پی افشای فسادهای متعدد سران و کارگزاران رژیم، بر متن ناراضیاتی عمیق در جامعه و اعتراضات گسترده کارگران، معلمان و دیگر اقشار مردم برگزار می شود.

حمله تروریستی در استکهلم محکوم است!



باید با ریشه ها و زمینه های رشد و ابراز وجود آن نیز، مقابله کرد.

حزب کمونیست کارگری این اقدام وحشیانه را شدیداً محکوم میکند و با قربانیان این حادثه، خانواده های آنها و شهروندان سوئد صمیمانه اظهار همدردی میکند. تروریسم اسلامی، دولت های اسلامی و کل جنبش اسلامی را باید متحذانه و با قدرت در هم شکست. حمایت جهانی از مبارزات مردم در کشورهای اسلام زده از جمله در ایران برای سرنگونی حکومت های جنایتکار اسلامی و پایان دادن به مماشات با جریانات اسلامی در غرب دو وجه مهم استراتژی در هم شکستن تروریسم اسلامی در سراسر جهان است.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۸ فروردین ۱۳۹۶،

۷ آوریل ۲۰۱۷

بر اساس آخرین اخبار منتشر شده، فرد مهاجم، در منطقه ای در شمال استکهلم دستگیر شده است.

بیدفاع هدف این تروریسم اند. ناامن کردن جامعه و ایجاد ترس و وحشت و باجگیری، هدف آن است.

تروریسم اسلامی بازوی مسلح جنبش اسلامی است. این جنبش در قالب فعالیت های متنوع و اقدامات گسترده در عرصه های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و البته، با سازش و مماشات دول غربی با این جنبش و با توجیه ارتجاعی آن توسط مدافعین نسبییت فرهنگی، طی دهه های گذشته در کشورهای غربی رشد کرده است. در محیط هایی که این نیروها پا گرفته اند، چه در کشورهای اسلام زده و چه در غرب، کودکان، زنان، آتشیستها، هموسکسوالها، سکولازها و حتی مردم منتسب به مذاهب دیگر، اولین قربانیان آنها بوده اند. تروریسم اسلامی را بر بستر و زمینه های رشد جنبش اسلامی باید دید. مقابله با این نوع تروریسم، صرفاً با تشدید اقدامات امنیتی و افزایش نیروی پلیس به نتیجه نخواهد رسید.

امروز جمعه هفتم آوریل، حدود ساعت سه بعد از ظهر بوقت اروپای مرکزی، فردی که کامیونی را سرقت کرده بود، در یکی از خیابان های مرکزی و پر رفت و آمد شهر استکهلم عده ای را زیر گرفت و سپس کامیون را بداخل یک فروشگاه هدایت کرد. بنا به گزارش پلیس حداقل سه نفر کشته و عده ای زخمی شده اند. هنوز آمار دقیق تلفات مشخص نیست.

تا این لحظه کسی دستگیر نشده و هیچ سازمانی مسئولیت این اقدام تروریستی را بعهد نکرده است. اما، شباهت این ترور با تروهای پاریس، برلین، سن پترزبرگ و لندن و کشتار مردم بیدفاع، آنرا در سنت تروریسم اسلامی قرار می دهد.

تروریسم اسلامی قربانیان خود را از عادی ترین مردم در سراسر جهان، از کشورهای خاورمیانه تا اروپا، و از پاریس، لندن و سن پترزبرگ تا استکهلم انتخاب میکند. شهروندان عادی و مردم

زنان سرکش در کشورهای اسلامزده

مصاحبه با مینا احدی

انترناسیونال: روز ۱۱ ماه مارس در شهر کلن در آلمان کنفرانسی با عنوان زنان سرکش از کشورهای اسلام زده برگزار شد که سازمان دهنده این کنفرانس شما بودید، این چه کنفرانسی بود و منظور از زنان سرکش چه کسانی هستند؟

مینا احدی: این کنفرانس در حقیقت قسمت دوم سلسله کنفرانس هایی است بهمین نام که ما در آلمان آغاز به سازماندهی آن کرده ایم. در کنفرانس اول که در شهر کلن بود سخنرانانی از کردستان، عربستان سعودی و عراق و ایران داشتیم که مورد استقبال زیاد حاضرین و همچنین کسانی قرار گرفت که در مدیای اجتماعی مباحثات ما را تعقیب کرده بودند. هزاران نفر این مباحثات را دیده و تعداد زیادی ما را تشویق کردند که این نوع کنفرانسها را ادامه دهیم. کنفرانس دوم ما در شهر کلن در آلمان بود و به مناسبت هشت مارس روز جهانی زن برگزار شد. در این کنفرانس از ایران و عراق، عربستان سعودی و افغانستان و امارات متحده عربی سخنران داشتیم.

زنان سرکش منظور زنانی هستند که در کشورهای اسلام زده در مقابل قوانین و سنتها و فرهنگ ضد زن اسلامی ایستاده و با بجان خریدن مشکلات فراوان، از حقوق انسانی خود دفاع کرده و اکنون در مورد مشکلات و همچنین مبارزات زنان در کشورهای خودشان دست به افشاگری و آگاهگری زده و در حقیقت صدای زنان در بند در کشورهای خود را بگوش جهانیان میرسانند.

انترناسیونال: سخنرانان را لطفا معرفی کنید و مختصری از پیام و یا حرفهای سخنرانان را برای خوانندگان ما توضیح دهید.

مینا احدی: از ایران فریده آرمان یکی از سخنرانان بود. زنی که زندگی و فعالیت هایش باید در تاریخ مبارزات زنان در کشورهای اسلام زده ثبت شود. یک زن آگاه، مدرن و پیشرو که شبانه روز علیه جنبش اسلامی و اسلام سیاسی فعالیت میکند و در کشور سوئد یک نهاد مدافع

ایران است که نه فقط حکومت اسلامی و قوانین ارتجاعی و زن ستیزانه را به چالش میگیرند، بلکه اسلام و سنت و اخلاقیات عقب مانده را در کل نفی کرده و از زندگی همه آنها میخواهند. سخنرانی شیرین در مورد جنبش زنان در ایران و مقابله روزمره زنان با قوانین و حکومت

واقعی خودم را اعلام کنم من فرشته عطایی هستم و سپس سخنرانی خود را ادامه داد. سخنان فرشته بسیار مورد تشویق جمع قرار گرفت.

سخنران دیگر ما چهره شناخته شده مدافع حقوق زنان از عربستان سعودی بود، رعنا احمد که از مکه فرار کرده و در مقابل کعبه با پلاکاردی در دست اعلام کرده که از اسلام دست کشیده است. او با مشقات فراوان فرار کرده و اکنون در آلمان است. رعنا در رسانه های آلمانی بسیار شناخته شده است و در کنفرانس



حقوق زنان سازمان داده که به زنان تحت خشونت کمک میکند و صدای این زنان را در رسانه های سوئدی و بین المللی منعکس میکند. فریده یکی از سخنرانان ما بود در مورد تجارب خود در مقابله با خشونت بر علیه زنان حرف زد و مباحثات با جریانات اسلامی را در کشورهای اروپایی نقد کرد.

شیرین شمس دومین سخنران ما از ایران بود، زنی جوان و سنت شکن و فعال و آزاده که صفحه انقلاب زنانه که او سرپرستی آنها به عهده دارد اکنون بسیار شناخته شده است. شیرین شمس نماینده نسل جوان زنان سرکش از

ما در مورد زندگی و مبارزات زنان در عربستان سعودی سخنرانی کرد.

ورود زهیر یکی از سخنرانان کنفرانس ما بود که سخنرانی او مورد توجه بسیار جمع قرار گرفت. ورود از کرپلا آمده است از یک خانواده مذهبی که پدرش آخوند بوده. و چون ورود دانشجوی آزاده ای بوده که به مقررات اسلامی پشت کرده و دوست پسر داشته خانواده قصد کشتن او را میکنند. برادر ورود در نقش جلاذ او را به زیر زمین خانه برده و چنان وحشیانه او را کتک میزند که ورود اکنون نمیتواند راحت راه برود و کمرش

اسلامی بود. در این کنفرانس از افغانستان مریم عطایی را دعوت کرده بودیم که خبرنگار و پناهنده سیاسی است. سخنرانی مریم در این کنفرانس بسیار تکاندهنده بود او گفت از افغانستان آمده و همه میدانند که در آن کشور زنان در چه وضعیتی هستند. مریم گفت مشکل دیگر زنان در افغانستان اینست که سنت شکن بودن و یا صحبت کردن از مشکلات هنوز تابو است و جرات زیادی میخواهد در سطح علنی در مورد مسائل صحبت بشود او گفت امروز میخواهم در این کنفرانس سنت بشکنم و اسم

بشدت آسیب دیده است. او بهر مکافاتی بوده فرار کرده و اکنون در آلمان صدای زنانی است که بقول خود او نجات نیافته و زیر فشار فرهنگ و سنت و قوانین شریعه جان دادند.

ورود در سخنرانی خود گفت من فقط یک زن سنت شکن و سرکش نیستم من ضد اسلام هستم.

آخرین سخنران ما لیلا حسن از امارات متحده عربی بود. او در دبی کارمند تلویزیون حکومتی بوده و وقتی خانواده اش برای اطمینان از باکره بودن او قصد انجام آزمایش پرده بکارت را میکنند او از شدت خشم عریان در حالیکه قران را آتش میزده فیلم کوتاهی از خودش را در فیس بوک علنی میکند سپس با مشکلات فراوان و تهدید به مرگ شده و فرار کرده است.

اینها زنان سرکش از کشورهای اسلام زده بودند. شیوا محبوبی و نازنین برومند در این کنفرانس سخنان کوتاهی ایراد کردند که به غنای کنفرانس ما افزود. شیوا فعال سرشناس مدافع حقوق زنان و چهره مدافع حقوق زندانیان سیاسی و نازنین برومند چهره سرشناس مدافع حقوق زنان و یکی از چهره های شاخص نهاد اکس مسلم در آلمان بود که صحبت های او با تشویق فراوان حاضرین روبرو شد.

انترناسیونال: ادامه فعالیت های شما در این مورد چیست؟

مینا احدی: ما اکنون عملا یک شبکه هستیم از دهها زن سرکش از کشورهای اسلام زده، مثلا در همین کنفرانس قرار بود یک زن سرشناس از پاکستان که اکنون در آلمان خبرنگار معروفی است و یا یک زن از ترکیه سخنرانی کنند که بدلیل کاری نتوانستند در این کنفرانس باشند. هدف ما سازمان دادن شبکه و در نهایت سازمانی است با همین نام و با هدف دفاع از حقوق زنان در کشورهای اسلام زده و سازمان دادن جنبشی بین المللی در دفاع از حقوق زنان در کشورهای اسلامزده.

فدرالیسم راه حل هیچ معضل و مشکلی نیست

سوال از محمد آسنگران درباره قطعنامه "تجربه کردستان عراق و راه حل مسئله ملی کرد" مصوب کنگره دهم حزب



جنبش حقوق مدنی و علیه اعدام و... هستیم. با اتکا به جنبش رادیکال و چپ اجتماعی در کردستان هر کدام از این جنبشها جایگاه مهم و تعیین کننده ای پیدا کرده اند. کمونیستها با تقویت این جنبشهای انقلابی میتوانند هم برای سرنگونی جمهوری اسلامی موثرتر عمل کنند و هم با گسترش هژمونی جنبش سوسیالیستی امکان همبستگی مردم کردستان و بقیه مناطق ایران بیش از پیش تقویت کنند. این سیاست و جهتی است که ما دنبال میکنیم و از همه نیروهای چپ و آزادیخواه میخواهیم در این جهت فعالیت خود را سازمان بدهند.

دائمی علیه جمهوری اسلامی بسر میبرند، اما همزمان هر کدام از این جنبشها تلاش میکنند افق و اهداف خود را بر جامعه کردستان مسلط کنند. ما با اتکا به نیازها و ضرورتهای مبارزه جنبش کارگری و نیاز جامعه مدرن امروز کردستان برای رسیدن به آزادی و رهایی از قید و بندهای جامعه سرمایه داری باید در مقابل جمهوری اسلامی و جنبشهای عقب مانده جنبشهایی را تقویت کنیم که هم اکنون در راس مبارزات حق طلبانه مردم قرار دارند. علاوه بر جنبش کارگری ما اکنون در کردستان شاهد جنبش برابری طلبانه زنان، جنبش دفاع از حقوق کودک، جنبش دفاع از محیط زیست و

و قدرتمند شدن جنبش کارگری توانسته است به عنوان يك جنبش اجتماعی جایگاه مهم و قابل اتکایی برای بخش پیشرو و مدرن جامعه پیدا کند.

جدال این دو جنبش و عروج جنبش سوسیالیستی در کردستان نه تنها تصویر و مضمون مبارزات و مطالبات مردم کردستان ایران را نسبت به بخشهای دیگر کردستان در کشورهای دیگر متفاوت کرده است، حتی در چهارچوب ایران هم جنبش کارگری و سوسیالیستی کردستان حامل سنتهای پیشرو و انسانی ای بوده است که در بسیاری موارد بقیه بخشهای جنبش کارگری در ایران را تحت تاثیر قرار داده است.

بنابر این ما در کردستان ایران شاهد دو جنبش اجتماعی و طبقاتی متفاوت هستیم. جنبش ناسیونالیستی به عنوان يك جنبش بورژوازی و جنبش سوسیالیستی که از دل مبارزه طبقه کارگر و جنبش کارگری برآمده است. این دو جنبش و احزاب بر آمده از آنها اگر چه هر کدام با اهداف متفاوت خودشان در جدالی

تاکید کرده ایم که راه حل ستم ملی رفع ستم ملی به معنی قانونی شدن حقوق برابر همه شهروندان است و راه حل مسئله کرد برگزاری رفراندومی آزاد در مناطق کرد نشین است که مردم به مانند در چهارچوب کشور فعلی یا جدا شدن از آن رای بدهند. در مورد کردستان عراق هم اعلام کرده ایم که سیاست ما حمایت از استقلال کردستان عراق است و باید مردم این منطقه در نتیجه يك رفراندوم بتوانند کشور مستقل خود را داشته باشند.

انترناسیونال: در مقابل ناسیونالیسم و احزاب ناسیونالیستی چه نیروی اجتماعی و سیاسی وجود دارد و چگونه می توان آنرا تقویت کرد؟

محمد آسنگران: اگر منظورتان کردستان ایران است کافی است به تاریخ سه چهار دهه اخیر نگاه کنیم و جنبش قوی و موثر چپ و کارگری را ببینیم که عروج احزاب سیاسی چپ هم بر متن همین مولفه شکل گرفته اند. عروج جنبش کارگری و چپ کردستان اگر چه قدمت زیادی ندارد اما با انقلاب ۵۷ شرایطی ایجاد شد که سرعت رشد کند و به يك پای تحولات سیاسی تبدیل شود. از مقطع انقلاب ۵۷ به بعد ما در کردستان شاهد عروج يك جنبش کارگری و چپ در بعد اجتماعی هستیم که مهر خودش را بر تمام تحولات این جامعه زده است. نفوذ و عروج سازمانها و احزاب چپ در کردستان و مقابله با سنتهای ناسیونالیستی و عقب مانده بر کسی پوشیده نیست.

اکنون ما در کردستان از یکطرف شاهد جدال جنبشهای اعتراضی علیه حکومت مرکزی هستیم و از طرف دیگر جنبش سوسیالیستی در مقابل جنبش ناسیونالیستی کرد در جدالی دائمی بسر میبرند. ناسیونالیسم کرد اگر چه قدمت طولانی تر و با سنتهای عقب مانده عجین است و برای بخش سنتی جامعه خودی محسوب میشود، اما در مقابل آن جنبش رو به گسترش و بالنده سوسیالیستی با اتکا به عروج

انترناسیونال: قطعنامه "تجربه کردستان عراق و راه حل مسئله ملی کرد" درباره تجربه شکست الگوی حکومتی احزاب ناسیونالیست در کردستان عراق صحبت می کند. در این قطعنامه به نقش نیروهای ناسیونالیست در ایران بطور مختصر اشاره شده است. از این تجربه بطور مشخص در باره ایران چه نتایجی میتوان گرفت؟

محمد آسنگران: اولین نتیجه شکست الگوی حکومتی احزاب ناسیونالیست کرد در چهارچوب حکومت فدرالیستی عراق این است که فدرالیسم راه حل هیچ معضل و مشکلی نیست. نه تنها راه حل نیست بلکه همچون کردستان عراق این الگوی حکومتی باعث کشمکش و جدال ناسیونالیستهای دو طرف خواهد شد. با شکست الگوی فدرالیسم کردستان عراق تمام طرحهای فدرالیستیهای ایران هم بی اعتبار میشود.

ما تاکنون با اتکا به اصول و مبانی تئوری و سیاست واقع بینانه چپ و انسانی در نقد الگوهای فدرالی و خودمختاری خودگردانی و... باید تلاش میکردیم جامعه را از شر چنین طرحهایی تفرقه افکنانه ای محفوظ داریم. باید با استدلال ثابت میکردیم که فدرالیسم نه تنها راه حل نیست بلکه خود مبنا و عامل تفرقه قومی و ملی میشود. اکنون در اولین تجربه این الگو در کردستان عراق شکست خورده است و بانیان و مدافعین این الگوی حکومتی در کردستان عراق همگی اعلام کرده اند که الگوی حکومتی فدرالیسم نه تنها مشکلی را از مردم کردستان حل نکرد بلکه شکست خورد و باید به دنبال راه حل دیگری باشند. بارها تاکید کرده اند سیستم حکومتی فدرالیسم شان نه تنها شکست خورده است بلکه باعث و عامل مشکلات دیگری هم شده است. این تجربه کمک میکند مردم ایران و مردم کردستان ایران پاسخ قاطع رد به طرح ناسیونالیستها و قومپرستان برای فدرالی کردن ایران بدهند.

ما در این قطعنامه يك بار دیگر

در مورد حمله موشکی دولت آمریکا به پایگاه نظامی رژیم اسد

هستند اما قطب مقابل جنگ داخلی در سوریه، داعش و دیگر نیروهای اسلامی وابسته به ترکیه و عربستان و مورد حمایت دولت آمریکا نیز بهمان اندازه ارتجاعی و جنایتکارند. راه رهائی مردمی که در منگنه جنگ این نیروهای ارتجاعی و تروریستی قرار گرفته اند مقابله با هر دو قطب است. ترامپ و پوتین و داعش و حزب الله و جمهوری اسلامی و دولتهای عربستان و ترکیه و کلیه نیروهای قومی اسلامی وابسته به آنها به صف دشمنان مردم تعلق دارند. مردم در جنگ قدرتی که امروز میان نیروها و دولتهای قومی مذهبی در سوریه و عراق و دیگر کشورهای خاورمیانه در جریان است

توجیه کند. نفس حمله به پایگاهها و نیروهای نظامی رژیم اسد، تا آنجا که به کشتار مردم منجر نشود، قابل محکوم کردن نیست، اما اهداف و سیاستهایی که در پس این حمله و کل این سیاست نظامی قرار دارد تماما ارتجاعی و ضد انسانی است و باید از جانب همه نیروهای انساندوست محکوم شود. نه هیچگاه هدف دولت آمریکا دفاع از مردم منطقه بوده است و نه با این اقدام نظامی دولت ترامپ در اهداف و سیاستهای ارتجاعی دولت آمریکا تغییری داده میشود. عامل اصلی جنایت و کشتار در سوریه رژیم اسد و متحدینش یعنی دولت روسیه و جمهوری اسلامی

روز پنجشنبه ۶ آوریل، بدنبال کشتار مردم شهر خان شیعون سوریه در اثر حمله شیمیائی رژیم اسد که خبر آن با تصاویر کودکان خردسال قربانی گازهای شیمیائی دنیا را تکان داد، حکومت آمریکا يك پایگاه هوائی رژیم اسد را مورد حمله موشکی قرار داد. ظاهرا این حمله در پاسخ به جنایت رژیم اسد صورت میگیرد اما اهداف و سیاستهایی که در پس این حمله قرار دارد همانقدر ارتجاعی و ضد انسانی است که سیاستهای دولت اسد و متحدینش. نباید اجازه داد توحش رژیم اسد سیاستهای وحشیانه دولت آمریکا را که با حمله به عراق زمینه وضعیت فاجعه بار امروز در منطقه را بوجود آورد تحت الشعاع قرار بدهد و یا آنرا



نقش مخرب ناسیونالیسم ترک و ضرورت مقابله با آن

گفتگو با محسن ابراهیمی دبیر کمیته آذربایجان حزب کمونیست کارگری درباره قرار مصوب کنگره ۱۰ حزب

اسلامیهایی همیشه در صحنه تبدیل میشوند و برای فرستادن "ترکهای اصلاح طلب" به نهادهای دزدی و چپاول اسلامی مثل مجلس فعالیت "انتخاباتی" میکنند.

ما در سالهای گذشته شاهد تلاشهای بسیار آگاهانه در میان نهادهای مرتبط با حکومت اسلامی برای دامن زدن به نفرت نژادی بوده ایم که هدفی نداشت جز میدان فراهم کردن به تحریکات ناسیونالیستی در آذربایجان، هدفی نداشت جز اینکه اولاً توجه مردم را از درد مشترک و دشمن مشترک و مبارزه مشترک منحرف کند و اتحاد مردم در مقابل رژیم اسلامی را تضعیف کند.

برای مثال، ۱۱ سال پیش روزنامه دولتی ایران با تشبیه مردم آذربایجان به سوسک به چنین تحریکاتی دست زد و تقریباً یکسال پیش هم برنامه "قتیله" در صدا و سیما بود که رسماً در یک برنامه کودک بخشی از مردم ایران را مثل کودک و احمق به تصویر کشید. البته در همه این موارد ما در آذربایجان با اعتراضات وسیعی مواجه شدیم که مشخصه اصلیشان دفاع مردم از حرمت انسانی خودشان در مقابل نفرت پراکنی راسیستی - نژادی نهادهای دولتی بود.

انترناسیونال: برخورد گروههای مختلف مردم آذربایجان در مقابل ناسیونالیسم ترک چگونه است؟

محسن ابراهیمی: در ایران جمهوری اسلامی نه امکان نظر سنجی وجود دارد که بتوان تصویری واقعی از گرایش ساسی بخشهای مختلف مردم در مورد مسائل سیاسی داشت و نه آزادی

صفحه ۱۱

ملی در مورد مردم مناطقی مثل خوزستان و کردستان و بلوچستان و آذربایجان به اندازه کافی ماتریال فراهم میکند که ناسیونالیسم قوم پرست روی آن سرمایه گذاری کند.

مقابل، نیاز حکومت اسلامی به ناسیونالیسم قوم پرست از سر خدمات سیاسی متنوع و ارزنده اش است. برای مثال اتحاد و همبستگی سیاسی کارگران و مردم محروم برای حکومت اسلامی بسیار هراس انگیز است. در این زمینه چه جریانی بهتر از ناسیونالیسم که شغشش تفرقه افکندن میان بخشهای مختلف مردم مبارز است میتواند به یاری حکومت اسلامی بیاید.

یک کارکرد دائمی ناسیونالیسم این است که از طریق مهندسی دشمنهای تخیلی به چشم مردم مبارز در مقابل دشمن مشترکشان یعنی جمهوری اسلامی خاک بپاشد. به چشم کارگران در مقابل طبقه سرمایه دار و حکومتشان خاک بپاشد. برای مثال در ادبیات سیاسی ناسیونالیسم ترک دشمن جمهوری اسلامی نیست. دشمن "حکومت ایران" است، "استعمار ایران" است، "فارسها" و "فارسیتها" هستند. آنها میخواهند "فارسها" را تا کرمان دنبال کنند. این هم یکی از جلوه های قرار گرفتن در مقابل جنبش سرنگونی طلب رادیکال است که خواهان پایان دادن به حیات حکومت اسلامی و تبعیض و نابرابری است.

این نیاز و رابطه متقابل گاهاً آنقدر جدی است که به همکاری علنی شان منجر میشود. برای مثال بخشی از ناسیونالیستهای ترک علناً در شعبده بازیهای انتخاباتی حکومت اسلامی آتش بیار معرکه میشوند. بخش پشت کاندیدهای ترک "ذوب شده در ولایت فقیه" مثل لمپن شناخته شده ای به نام قاضی پور میروند. بخشها به زائده ای از ملی -

بهرتر است بگویم زائده وزارت اطلاعات هستند که قیافه اپوزیسیون به خودشان میگیرند. وزارت اطلاعات مدتهاست از طریق این مزدوران ناسیونال - فاشیستش مخصوصاً در مناطقی از آذربایجان که کردزبانها و ترک زبانها در کنار هم زندگی میکنند به تحریکات پیشرفته علیه مردم کردزبان این مناطق دست زده است. بانندی که امروز درجایی فریاد میزنند "هاری هاری من تورکم" و فردا در مقابل زندان ارومیه جمع میشود و خواهان اعدام کسانی میشود که در حمایت از مقاومت کوبانی علیه داعش دستگیر شده اند معلوم است که از خود حکومت اسلامی است. هم سنخ این حکومت است. کسانی که به ملاحسنی اقتدا میکنند و خواهان برپا کردن مجسمه این جنایتکار قارنا و قالاتان در ارومیه هستند معلوم است که زائده های اسلامی - ناسیونالیستی وزارت اطلاعات در ارومیه هستند.

اما در سطح تحلیلی عمومی تر، حکومت اسلامی و ناسیونالیسم از هر نوع و رنگش به همدیگر نیاز سیاسی دارند. فعلاً بحث ناسیونالیسم ایرانی را کنار میگذاریم که سران حکومت اسلامی مدتهاست در حال رنگ آمیزی اسلامشان با رنگ و لعاب ناسیونالیسم ایرانی هستند. این بحث مفصلتری است که در جای دیگر باید دنبال کنیم.

اما تا آنجا که به ناسیونالیسم ترک مربوط است، اینها هم مثل همه قوم پرستان دیگر موجودیتشان را مدیون حکومتی هستند که بنیادش بر تبعیض - از جمله تبعیض و ستم ملی - استوار است. ناسیونالیسم قوم پرست ترک - همچنین ناسیونالیسم کرد و عرب و غیره - بدون تبعیض و "ستم ملی" موضوعیت ندارد. حکومت اسلامی با ادامه تحقیر و ستم

ترک این است که در جریان سرنگونی حکومت اسلامی در کل ایران، در منطقه ای از ایران قدرت را بدست گیرد و بساط لغت و لیس ملی راه بیاندازد.

ناسیونالیسم قوم پرست یک نیروی مخرب سیاسی است که کارکرد مخربش بیشتر میتواند در یک خلاء سیاسی خود را نشان دهد. اینها در صورتی میداندار میشوند بشوند که مردم انقلابی، نیروهای آزادیخواه، سکولار و برابری خواه نتوانند در مقطعی که به سرنگونی حکومت اسلامی خیز برداشته اند تکلیف حکومت را فوراً یکسره کنند، قدرت سیاسی را بدست بگیرند و اراده سیاسی خود را در قالب حکومت اعمال کنند.

لازم است تاکید کنم که ناسیونالیسم برای اخلاص در روند مبارزه سیاسی جامعه ای که آزادی و برابری میخواهد لازم نیست نفوذ توده ای داشته باشد. برای چنین کاری نفوذ سیاسی لازم نیست. پول و اسلحه و آدمکش لازم است. پول و اسلحه اش را دولتها تامین میکنند. آدمکشش را هم ناسیونالیسم با تحریکات شبه مذهبی تولید میکند.

همینجا بگویم که در مقابل تحقق چنین هدف شومی نیروهای وسیعی در جامعه وجود دارند که آرزوها و اهداف و خواستشان با خط سرخی به هم وصل میشود: آزادی، برابری و زندگی انسانی. در این مورد متیوانیم در سئوالات بعدی مفصلتر صحبت کنیم.

انترناسیونال: ناسیونالیسم ترک و جمهوری اسلامی با هم چه رابطه ای دارند؟

محسن ابراهیمی: قبل از هر چیز لازم است روی این حقیقت تاکید کنم که بخشهای زیادی از ناسیونال-فاشیستهای ترک دشمنان به وزارت اطلاعات و حکومت اسلامی بند است. یا

انترناسیونال: در کنگره دهم حزب قرار در باره "نقش مخرب ناسیونالیسم ترک و ضرورت مقابله با آن" به تصویب رسید. میزان نفوذ و اهمیت ناسیونالیسم ترک به چه اندازه است؟

محسن ابراهیمی: ناسیونالیسم ترک در حال حاضر نفوذی ندارد. هیچ بخش قابل توجهی از جامعه را به خود جلب نکرده است. جنبشی نیست که پشتوانه سیاسی اش حمایت علنی بخشی یا اقلیت معینی از جامعه باشد. ناسیونالیسم ترک در حال حاضر شامل طیفی از فعالین هستند که اساساً در رسانه های اجتماعی فعالند. بخشها به عنوان صاحب نظر افکار نژادپرستانه را ترویج میکنند و بخشها هم بر اساس همین افکار در تلویزیون و سایتها و فیسبوک و تلگرام و سایر امکانات اینترنتی به تبلیغ و تهییج و نفرت پراکنی علیه بخشهای دیگر مردم ایران مشغولند.

در نتیجه اهمیت دادن به ناسیونالیسم ترک به دلیل نفوذ اجتماعی نیست بلکه به دلیل خطراتی است که در آینده میتواند در مقابل مبارزه مردم برای سرنگونی جمهوری اسلامی و رسیدن به رهایی و زندگی برابر و انسانی داشته باشد. تحریک نوشتاری و تصویری ناسیونالیستی امروز میتواند ماتریال فعالیتهاى جدیتر نژاد پرستانه و نفرت افکنانه در آینده باشد.

همه میدانیم که جامعه ایران آستن تحولات بزرگی است. حکومت اسلامی مورد چالشهای جدی است که دیر یا زود به چالشی بزرگتر برای پایان دادن به عمرش منجر خواهد شد. مثل همه جوامع در بحران، اینجا هم انواع نیروهای سیاسی از همین الان مشغولند و خودشان را آماده میکنند تا فردا در تحولات مربوط به قدرت سیاسی نقش ایفا کنند. هدف ناسیونالیسم

نقش مخرب ناسیونالیسم ترک و ...

از صفحه ۱۰

سیاسی وجود دارد که گرایشهای سیاسی در قالب احزاب و تشکلهای درجه نفوذ سیاسی شان معلوم شود.

با این وجود يك مشاهده ساده هم این را نشان میدهد که در آذربایجان ناسیونالیسم ترک مثل يك جنبش شناخته شده صاحب نفوذ نیست که بخشهای مختلف مردم به مثابه طرفدار یا مخالف آن دسته بندی شوند.

در آذربایجان هر از گاهی با تحریکهای ناسیونالیستی مواجه هستیم که قبلا در مواردی در تجمعات قلعه بابک یا در جریان هیجانات بازیهای فوتبال با شرکت تیم تراکتورسازی خود را نشان میدهد. ولی در مقابل، اعتراضات اجتماعی وسیعتری مخصوصا در قالب اعتراضات کارگری رخ میدهد که اثری از شعارها و مطالبات ناسیونالیستی در آن نیست. اعتراض کارگران ایران ترانسفو در زنجان يك نمونه گویا از بیخاصیتی و بی تاثیرى جریانات ناسیونالیستی در میان فعالین و معترضین کارگری است.

در مقیاس اجتماعی تر ماجرای توهین نشریه دولتی ایران و کاریکاتور سوسک و برنامه فتیله بود که ظاهرا فرصتی طلایی برای ناسیونالیسم ترک بود که با تحریک علیه مردم فارس زبان نیرو بگیرد. اما دیدیم که علیرغم تلاشهای بسیار برای ول کردن سموم قوم پرستانه به میان مردم معترض، محتوای ضد رژیم آن اعتراضات غالب بود و عملا به فرصتی برای ابراز انزجار و نفرت از حکومت اسلامی تبدیل شد.

با این همه جامعه آذربایجان در مقابل ویروس ناسیونالیسم واکسینه نیست و نباید خیالمان تخت باشد که باندهای ناسیونالیست قومپرست نمیتواند آب را گل آلود و خونین کنند. جامعه واکسینه نیست اما در مقابل اعتراضات کارگری، آزدیخواهی، انساندوستی، افکار پیشرو و سکولار، تلاشهای اجتماعی و سیاسی وسیع در

مقابل همه جلوه های اقتدار اسلامی آنقدر گسترده و قوی هست که اولاً همین الان میدان را برای عرض اندام جدی قومپرستان تنگ میکند و ثانیاً امکان مقابله جدی با تحریک بعدیشان را فراهم میکند.

انترناسیونال: قرار مصوب در کنگره ۱۰ بر تقویت مبارزه علیه ناسیونالیسم ترک تاکید می کند، این مبارزه چگونه و از چه راههایی می تواند به پیش برده شود؟

محسن ابراهیمی: در پاسخ به این سؤال لازم است روی این نکات تاکید کرد:

۱- پیشفرض اصلی من این است که ناسیونالیسم قوم پرست که ادعای دفاع از حقوق "ملی" مردم تحت ستم را دارد از هر نوع و رنگش - از ناسیونالیسم ایرانی تا ناسیونالیسم ترک - تنها زمانی موضوعیت خود را از دست میدهد که تبعیض و ستم ملی در هیچ قالب و شکلی وجود نداشته باشد. جایی که ستم ملی باشد ناسیونالیسم قوم پرست هم میدانی برای ابراز وجود دارد که مثلاً به نام دفاع از حقوق "ملت خود" اهدافش را پیش ببرد. به این معنا پایان دادن به موجودیت آیدئولوژی و خرافه ناسیونالیستی منوط به از میان بردن زمینه های سیاسی، طبقاتی و اقتصادی است. استقرار مناسباتی است که در آن همه شهروند برابر و آزاد باشند و همه از حقوق انسانی برابر برخوردار باشند. و روشن است که اولین قدم در این راه سرنگونی حکومت اسلامی است.

۲- به طور دائم و تعطیل ناپذیر باید محتوای ضد انسانی افکار ناسیونالیستها ازهر دسته و نوعش را برای مردم افشا کرد. به طور مشخص باید منظمآ برای مردم نشان داد که هر ذره اشاعه افکار ناسیونالیستی در مقابل همبستگی مردم معترض و مخصوصاً کارگران همدرد و هم مساله و همرمز خطر جدی در مقابل تلاش مردم برای رهایی است. خطر جدی در مقابل مبارزه مردم برای يك زندگی آزاد و برابر

است. باید منظمآ به مردم نشان داد که ناسیونالیستها چه جناباتی تحت نام خاك و ملت و استقلال علیه انسانهای منتسب به ملتهای دیگر مرتکب شده اند؛ چگونه هر جا به قدرت رسیده اند حکومتهای فاسد و چپاولگر سازمان داده اند و تسمه از گرده طبقه کارگر خودی کشیده اند.

باید نشان داد که چگونه سرداران صرب و کروات و مسلمان در کشورهای مستقل بازمانده از فروپاشی یوگسلاوی هر کدام در کشورهای تازه تشکیل شده کارگران خودی را به خاك سیاه نشانده اند. باید نشان داد که چگونه در همین همسایگی خودمان بازرانی در اقلیم کردستان بساط لفت و لیس هزار فامیل بازرانی راه انداخته است و چگونه این جامعه به صحنه کشمکش هر روزه کارگران و مردم محروم "اقلیم کردستان" با رهبران ناسیونالیست و به اصطلاح وطن پرست کرد تبدیل شده است.

۳- افشاگری و مبارزه علیه ناسیونالیسم ایرانی، علیه نژادپرستی منحط آریایی، علیه شونیسیم فارس هم يك وجه جدایی ناپذیر از مبارزه علیه ناسیونالیسم قوم پرست از جمله ناسیونالیسم ترک است. چرا؟ به این دلیل که هم تاریخا و هم مشخصا در شرایط کنونی، ناسیونالیسم ایرانی يك پای مهم اشاعه افکار برتری طلبانه و تحقیر آمیز علیه مردم غیر فارس زبان از جمله ترک زبانها بوده است. هرچقدر ناسیونالیسم برتری طلبانه آریایی-ایرانی دممش بیشتر چیده شود همانقدر میدان مظلوم نمایی ناسیونالیسم قوم پرست هم تنگتر میشود. توجه کنید که ستم علیه مردم اعمال میشود و ناسیونالیسم از آن استفاده سیاسی میکند. ناسیونالیسم مظلوم و ستمدیده وجود ندارد. ناسیونالیسم ممکن است در مقطعی در اپوزیسیون باشد اما هدفش نهایتاً این است که در شکل قالب آیدئولوژیک نظم طبقاتی ظاهر شود و اگر دستش جایی بند باشد تبعیض و ستم و چپاول را تداوم بخشد.

۴- بایسد نشان داد که ناسیونالیسم "بد و بدتر" نداریم

چه رسد به ناسیونالیسم "خوش خیم" در مقابل بدخیم. رفتار و ادا و اطوار شاخه های مختلفش ممکن است باهم فرق کند اما ماهیتشان یکی است. مغایر با ابتدایی ترین انتظارات انسانی از حقوق انسانی است. به این معنا در مقابل جریانات ناسیونالیست نباید تعارف کرد، نباید کوتاه آمد، نباید با لکتت زبان حرف زد و نباید هم به نعل زد و هم به میخ. هر نیرو و جریان و شخصیتی که به هر زبانی و با هر ایماء و اشاره و کنایه و استعاره ای بخشی از مردم را بر بخش دیگر برتر تلقی کند در اردوی ارتجاع و عقب ماندگی و خرافه سیاسی قرار دارد. هر کسی که بگوید "ملت من" مهمتر و تاریخی تر و اصیلتر و باشکوهتر و پاکتر و شایسته تر از "ملت شما" است به اردوی ارتجاع سیاسی تعلق دارد و به همین عنوان هم باید به جامعه معرفی شود.

۵- مشخصا باید کارنامه ننگین و خونین خود ناسیونالیسم ترک در تاریخ منطقه را جلوی چشم مردم گرفت و نشان داد که اینها هر جا قدرت گرفته اند کاری جز سازماندهی چپاول کارگران خودی و جنایت علیه مردم منتسب به ملیتهای دیگر نداشته اند. نمونه اش جنایات ناسیونالیسم ترک در ترکیه - چه نوع نظامی آتاترکی اش و چه نوع اسلامی اردوغانی اش - است. نمونه دیگرش خاندان الهام علی اوف در جمهوری آذربایجان است که يك مافیای فامیلی اقتصادی - سیاسی ترک در آذربایجان راه انداخته اند.

۶- و بالاخره باید تاکید کنم که افشاگری صرف کافی نیست. افشاگری برای افشاگری کافی نیست. برملا کردن ماهیت ارتجاعی آیدئولوژی ناسیونالیستی، افشای محتوای ضدانسانی و ضد کارگر ناسیونالیسم ترک همه باید در خدمت متحد کردن کارگران، متحد کردن همه انسانهای آزادیخواه، انسانهای سکولار، انسانهای خواهان برابری و آزادی در آذربایجان قرار گیرد. باید در خدمت متحد کردن، متشکل کردن این بخش مردم قرار گیرد.

باید در خدمت قدرتمند کردن صدای این بخش مردم قرار گیرد.

انترناسیونال: چه نیروهایی می توانند مبارزه علیه ناسیونالیسم را به پیش ببرند؟

محسن ابراهیمی: همه نیروها، احزاب، سازمانها، صاحب نظران، فعالین کارگری، فعالین سیاسی و اجتماعی، و مردمی که آرزو و آرمانشان برابری و آزادی برای همه انسانهاست متعلق به اردوی بزرگ مبارزه علیه آیدئولوژی و خرافه ناسیونالیسم قرار دارند. همه اینها در جبهه سیاسی بزرگی در مقابل جبهه ای قرار دارند که آرمانش ضدیت با برابری انسانی است. هم در ایران و هم مشخصا در آذربایجان این نیروی بزرگی است. فقط کافی است این نیروها کانالی برای ابراز وجود سیاسی پیدا کند تا معلوم شود که در مقابل حاملان و حامیان خرافه برتری طلبی نژادی و ملی و قومی چه نیروی عظیم و قدرتمندی وجود دارد.

اولین و مهمترین و موثرترین و کارسازترین نیروی این صف طبقه کارگراست. مشخصا گرایش رادیکال، ضد سرمایه دار، انساندوست، چپ و سوسیالیست در میان طبقه کارگر است. فعالین و شخصیتهای انساندوست و رادیکال و مبارز طبقه کارگر است. آن فعالین جسور طبقه کارگر است که در فضای تیره و تاری که میلیاردرهای اسلامی و حکومتشان و همچنین نیروهای متلون ناسیونالیست ایرانی و آریایی و قوم پرست راه انداخته اند، سرفراشته از حقوق انسانی همه کارگران و همه مردم محروم دفاع میکنند.

گرایش رادیکال و آگاه و برابری طلب و چپ در میان طبقه کارگر، هم در کل ایران و هم در آذربایجان در این مبارزه تنها نیست. جامعه ایران به "یمن" حاکمیت چندین دهه ای ارتجاع اسلامی که اتفاقاً در سالهای اخیر دست به توره آیدئولوژی هم سنخش یعنی ناسیونالیسم ایرانی برده است، سرشار از روح آزادیخواهی و برابری طلبی و ضدیت با خرافه های مذهبی و

حمایت سازمان "فریدوم ناو" از بهنام ابراهیم زاده در نشست شورای حقوق بشر سازمان ملل

مورد ضرب و شتم قرار گرفته و برای وی بیست سال حکم زندان صادر کرده که سپس به پنج سال تقلیل پیدا کرد. یکسال قبل از اتمام حکم، بهنام را در حالی که هنوز در زندان بود به جرایم واهی و تحت عنوان اتهام و تباری برای ارتکاب جرم علیه امنیت داخلی و خارجی مجدداً محاکمه و به نه سال و چهار ماه حبس محکوم کرده که سپس به هفت سال تقلیل پیدا کرد. خانواده بهنام گفته بودند که در ماه دسامبر ۲۰۱۶ بهنام برای بار سوم توسط شعبه ۱۲ دادیار کرج با ریاست قاضی سیامک آبیاری به اتهام توهین به رهبری و مسئولین زندان و تحریک زندانیان مورد تهفیم اتهام قرار گرفته است اما هنوز محکومیتی به وی ابلاغ نشده است. خانواده بهنام بشدت نگران وضعیت وی میباشند. بهنام از بیماریهای مختلفی رنج برده که نیاز به درمان فوری دارند اما علیرغم اینکه خانواده اش بارها تقاضای مرخصی درمانی کرده اند، این درخواستها بدون هیچگونه توضیحی از سوی مسئولین زندان رد شده است. لازم به ذکر است که بهنام همچنان در بند ده زندان رجایی شهر، که این بند بدترین شرایط زیستی و بهداشتی را دارد نگهداری میشود.

کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی
اول آوریل ۲۰۱۷ برابر با دوازدهم
فروردین ۱۳۹۶

به دنبال تلاش و پیگیری کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی جهت جلب حمایت سازمانها و تشکلهای مترقی و بشردوستانه از آزادی زندانیان سیاسی و در ادامه کمپین دفاع از بهنام ابراهیم زاده، سازمان فریلوم ناو بررسی وضعیت بهنام ابراهیم زاده را مورد حمایت قرار داد. سازمان فریدوم ناو یک سازمان غیردولتی در امریکا و متشکل از وکلایی میباشد که از زندانیان سیاسی که در کشورهای مختلف حمایت میکنند. این سازمان ضمن انتشار وضعیت بهنام ابراهیم زاده بر روی وب سایتش، دست به اقداماتی جهت حمایت از بهنام ابراهیم زاده زد. به طور مشخص این سازمان در پروسه تلویز درخواستی جهت دسترسی بهنام به درمان و همینطور بررسی پروسه دادگاه و احکام ناعادلانه ای میباشد که برای بهنام صادر شده است.

در ماه مارس ۲۰۱۷ شازیه اختر، یکی از وکلای با تجربه که با سازمان فریلوم ناو و بنابر درخواست کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی بررسی وضعیت بهنام را به عهده گرفته اند در سی و چهارمین نشست سالیانه شورای حقوق بشر سازمان ملل به طور مشخص در رابطه با وضعیت بهنام صحبت کرد و از این شورا درخواست کرد تا وضعیت بهنام را مورد توجه قرار بدهند. بهنام ابراهیم زاده، فعال کارگری و حقوق کودکان میباشد. بهنام در سال ۲۰۱۰ دستگیر شد،

جوانان مدرن و سکولار و پیشرو فقط و فقط حکومت اسلامی سرمایه داران است. جریانات ارتجاعی ناسیونالیستی، بخشا در قالب اپوزیسیون نقش مخرب در مقابل همبستگی سیاسی علیه رژیم اسلامی ایفا میکنند. ناسیونالیسم ترک بخشی از این جریانات مخرب است که موضوع مستقیم کار و فعالیت کمیته آذربایجان است.

ما به عنوان تشکیلات آذربایجان حزب کمونیست کارگری علیه جمهوری اسلامی اعلام جنگ کرده ایم. اما در عین حال هر جریانی که مشغول نفاق افکنی و نفرت پراکنی میان بخشهای مختلف طبقه کارگر، میان کارگران ترک زبان و کرد زبان، میان بخشهای مختلف مردم است عملاً و مستقیماً در خدمت حکومت اسلامی است و به این معنا مقابله با آن جایگاه مهمی در فعالیتهای ما اعضا و فعالین کمیته آذربایجان دارد.

در نقشه عمل شش ماهه با جزئیات در باره استفاده از همه امکانات تبلیغی و سازمانی صحبت کرده ایم که با بکار گرفتنشان اولاً همه جانبه و بیرحمانه ناسیونالیسم را افشا خواهیم کرد و ثانیاً تلاش خواهیم کرد به سخنگو و صدا و کانال متحد و مشکل شدن نیروی بزرگ آزادیخواهی و برابری طلبی در آذربایجان تبدیل شویم.

روشن است که تحقق چنین هدفی دنیایی از کار روی دوش ما میگذارد و رسیدن به آن تلاشی به مراتب وسیعتر و جدی تر و همه جانبه تر از گذشته لازم دارد. *
۱۷ فروردین ۱۳۹۶ -
۶ آوریل ۲۰۱۷

دولتهای اسلامی و سیاستهای ارتجاعی دولتهای آمریکا و روسیه و وابستگانشان در منطقه خاورمیانه فرا میخوانند.
حزب کمونیست کارگری ایران
۱۸ فروردین ۱۳۹۶، ۷ آوریل ۲۰۱۷

نقش مخرب ناسیونالیسم ترک و ...

از صفحه ۱۱

نکاتی را اضافه میکنم.

اولین و مهمترین و مشخصترین کار حزب علیه ارتجاع ناسیونالیستی مبارزه برای سرنگونی حکومت سرمایه داری اسلامی است که در حال حاضر منشاء اصلی تبعیض از جمله تبعیض و ستم ملی علیه بخشهای مختلف مردم است. یک و جه مهم تلاش و مبارزه حزب تامین اتحاد و همبستگی میان طبقه کارگر کل ایران، تامین اتحاد و همبستگی میان فعالین و بخشهای مختلف مردم معترض در کل جغرافیای سیاسی ایران است.

از منظر حزب، ناسیونالیسم ایرانی، آریایی، عظمت طلب، شوینیست، ضد ترک و کرد و عرب و بلوچ و غیره چه در قالب اپوزیسیون و چه آنجا که خود جمهوری اسلامی به آن متوسل میشود، تلاش و تحرکی علیه مبارزه بحق مردم علیه نظام اسلامی است. حزب با پرچم آزادی، برابری، حقوق برابر شهروندی همه آحاد و افراد جامعه به مصادف حکومتی میروند که با پرچم تبعیض و نابرابری به جنگ کل جامعه رفته است.

در متن این مبارزه همه جانبه علیه حکومت اسلامی و انواع برتری طلبی نژادی و ناسیونالیستی، کمیته آذربایجان به طور ویژه مقابله با ناسیونال - فاشیسم ترک را در دستور دارد.

بعد از تصویب قرار "نقش مخرب ناسیونالیسم ترک و ضرورت مقابله با آن" در کنگره ۱۰ حزب، کمیته آذربایجان حزب نقشه عمل شش ماهه ای را در دستور گذاشته است که محور آن این است: دشمن بلافاصله و مستقیم طبقه کارگر، زنان و

ملی است. هر کسی که ریگی در کفش ندارد این حقیقت سیاسی را به وضوح می بیند.

به اطراف خود نگاه کنید. در مقابل و بر فراز لجنزاری که جمهوری اسلامی راه انداخته است، تحرکی عظیم از انسان دوستی و دفاع از حرمت انسانی موج میزند. فعالین زیادی همراه بخشهای مختلف مردم مشغول فعالیتهای انسان دوستانه هستند. مبارزه برای زندگی درخور انسان برای کارگران و اقشار محروم و همه جامعه، تلاش برای رهایی کودکان کار و خیابان، دفاع از حرمت دختران و زنانی که زیر فشار خرد کننده اقتصادی و قوانین شریعت به خیابانها پرتاب شده اند، مبارزه برای آزادی و برابری زنان، دفاع از قربانیان اعتیاد یعنی قربانیان قاچاقچیهای حکومتی، مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی، مبارزه برای آزادی اندیشه و نقد مقدسات مذهبی، اعتراض علیه اعدام، اعتراض به تخریب سازمانیافته محیط زیست و دفاع از حقوق حیوانات و دهها اعتراض انسانی دیگر نشانگر مصاف بزرگ دو جبهه ای است که کارشان فقط با شکست یکی و پیروزی دیگری میتواند به فرجام برسد.

انترناسیونال: حزب و کمیته آذربایجان برای مقابله با ناسیونالیسم عموماً و مشخصاً ناسیونالیسم ترک چه اقداماتی را در دستور کار خود دارد؟

محسن ابراهیمی: در سئوالات قبل به جوانبی از پاسخ به این سؤال پرداختیم. اینجا فقط

درمورد حمله موشکی دولت آمریکا ...

از صفحه ۹

و نیروهای اسلامی و یا خاتمه دادن به دخالتگریهای نظامی دولت های آمریکا و روسیه میتوانند روی آرامش ببینند.

حزب کمونیست کارگری همه مردم آزاده جهان و همه نیروهای چپ و مترقی را به مقابله با نیروها و

نمایندگی نمیشوند. راه رهایی مردمی که در منگنه جنگ این نیروها قرار گرفته اند مقابله با هر دو قطب است. مردم سوریه و عراق و ایران و دیگر کشورهای اسلامزده تنها با بیزر کشیدن و کنار زدن دولتها

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر: بهروز مهرآبادی

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود